راه و رسم زندگی
در کلام پیامبر اعظم (ص)

پندهای پیامبر اکرم (ص) به ابوذر غفاری



بسم الله الرحمن الرحیم

راه و رسم زندگی در کلام پیامبر صلی الله علیه وآله خطاب به ابوذر

نویسنده:

خیرالله سلیم زاده

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راه و رسم زندگی در کلام پیامبر صلی الله علیه وآله خطاب به اباذر

مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیم زاده، خیرالله، ۱۳۱۵ - عنوان و نام پدیدآور : راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه واله و سلم: پندهای پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم به ابوذر غفاری/ تالیف خیرالله سلیم زاده. مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری : ۹۵ص ۵/۱۱ × ۵/۱۶ س م. شابک : ۵۰۰۰ ریال ۸۷۹-۴۶۹-۳۷۹-۳۸۰-۱ : ؛ ۸۰۰۰ ریال : چاپ دوم ۸۷۹-۴۶۹-۳۷۹-۳۸۰-۱ : یادداشت : چاپ دوم: ۷۸۳۱. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : محمد (ص) ، پیامبر اسلام، ۳۵ قبل از هجرت - ۱۱ق -- احادیث موضوع : راه و رسم زندگی -- جنبه های مذهبی رده بندی کنگره : PB۸۴۲ /س۳۸ر۲ ۶۸۳۱ رده بندی دیویی : ۱۶/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۳۴۰۳۱

راه و رسم زندگی در کلام پیامبراعظم صلی الله علیه وآله

بسم اللَّه الرحمن الرحیم کتابی که پیش روی شما است، سخنان گرانمایه حضرت پیامبر اکرم، خاتم انبیاصلی الله علیه وآله خطاب به ابی ذر غفاری رضوان اللَّه تعالی علیه می باشد. وی یکی از اصحاب با وفا و پابرجای آن بزرگوار بوده است - که حِکَم و مَواعظ سودمند و پند و اندرزهای بسیار مفید برای همه مسلمان در آن نهفته است، مجدداً با ترجمه اش چاپ می شود. در این ترجمه از کتاب عین الحیاه مرحوم علامه مجلسی قدس سره، و از ترجمه دانشمند گرامی جناب مستطاب آقای تجلیل تبریزی «زبده عزّه» کمک گرفته ام و اصل عربی این حدیث را به جهت صِحّت متن و مصونیت از اشتباه و غلط با چند کتاب از کتب معتبره علمای سلف و بزرگ شیعه امامیه اثنا عشریه تطبیق و تصحیح نمودم و در موارد اختلاف در تعبیر عبارات اصل حدیث در این چند کتاب، نسخه بدل ها

را مـابین دو پرانـتز ذکر کرده ام ولی در ترجمـه حـدیث، جمله هـا و کلمـاتی که مـا بین دو پرانـتز قرار گرفته است غالبـاً برای توضیح است.

امید است که این جزوه مورد استفاده عموم مؤمنین و اهل دین و پیروان سیدالمرسلین و ائمه معصومین علیهم السلام واقع گردد و همه از آن بهره های معنوی دنیایی و اُخروی بر گیرند. ان شاء اللّٰه تعالی.

لازم به تـذّکر است که تجزیه این کلام نورانی که در ضـمن ۱۴۷ شـماره ارائه گردیده از بعضـی نویسندگان است و مستند به اصل حدیث نمی باشد.

العبد خیر اللّٰه سلیم زاده

مقدمه حدیث

مرحوم شـیخ طوسـی در کتـاب (امـالی) جلـد دوم چاپ نجف صـفحه ۱۳۸ - ۱۵۲ و مرحوم شـیخ طبرسـی در کتـاب (مکارم الاخلاق) چاپ بیروت صفحه ۴۵۵ - ۴۷۱، باب ۱۲، فصل ۵ و مرحوم ورام بن ابی فراس در کتاب (مجموعه ورام) چاپ ایران قم سال ۱۳۷۵، صفحه ۲۷۳ - ۲۸۴ و مرحوم مجلسـی در کتـاب (بحارالانوار) چاپ ایران جلـد ۷۷، صفحه ۷۴ - ۹۱، باب ۴، حدیث ۶۳ و در کتـاب (عیـن الحیـاه) (که همه اش از اوّل تـا آخر شـرح همین حـدیث ابی ذر است) همه این بزرگـان در این کتـاب هـای خود مسـنداً و مجموعه ورام مرسـلاً از ابوذر غفـاری رضوان اللّٰه تعـالی علیه روایت کرده انـد که ابوذر گفت: من داخل شدم در اوائل یک روز در مسـجد، پس به جز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام که در کنار آن حضرت بودند، هیچ کس دیگری را در آنجا ندیدم، پس من خلوت مسـجد را مغتنم شمردم و عرض کردم: یا رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله! پدرم و مادرم فدای تو باد، سفارشی به من بفرمایید

که خدا مرا به آن سفارش نفع رساند.

پس آن حضرت فرمودند: (مطالبی را که ترجمه ظاهرش چنین است) (تو را سفارش خواهم کرد) و چه بسیار گرامی و پسندیده ای تو در نزد ما ای ابوذر تو از ما اهل بیت می باشی و همانا که من تو را به دستور و پندی (عظیم) سفارش می کنم پس تو آن را (در فکر و عمل خود) حفظ کن (نگهداری نما) که آن جامع (دربردارنده) همه راه های خیر (و خوبی و نجات است) پس اگر تو آن را (در ذهن و در کار خود) حفظ کنی و (بدان عمل نمایی) برایت بهره ای عظیم (از رحمت الهی خیر و دنیا و آخرت) خواهد بود.

۱

یا أباذَرٍ! اُعْبُدِاللَّهَ كَانَّكَ تَراهُ، فَاِنْ كُنْتَ لاتَراهُ فَاِنَّهُ يراكَ.

ای ابوذر! خدا را چنان بندگی کن که گویا او را می بینی، پس اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

۲

وَاعْلَمْ يا أَباذَرٍّ! اِنَّ اللَّه عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ اَهلَ بَيتِى فِى أُمَّتِى كَسَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَها نَجى وَ مَنْ رَغِبَ عَنْها غَرَقَ،(۱) وَ مِثْلَ بابِ حِطَّةٍ(۲) فِى بَنِى اِسْرائِيلَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ امِناً.

بدان ای ابوذر! که خدای عزیز و بزرگ، اهل بیت مرا در میان امّت من بمانند کشتی نوح گردانیده است، هرکس در آن سوار شد از هلاکت رست و هرکس از آن روی بگردانید غرق گشت. همچنین مانند درب حطّه در میان بنی اسرائیل که اگر کسی از آن وارد می شد از عذاب خدا ایمن می گشت.

۳

يا أَباذَرٍ! اِحْفَظْ ما اُوصِيكَ بِهِ تَكُنْ سَعِيداً فِى الدُّنْيا وَ الاخِرَهِ

يا أَباذَرٍّ! نِعْمَتانِ مَغْبُونٌ فِيهِما كَثِيرٌ مِنَ النّاسِ، اَلصِّحَّهُ وَ الْفراغُ.

ای ابوذر! پندهای مرا نگهداری (و مراعات) کن تا در دو جهان سعادتمند گردی، ای ابوذر! بسیاری از مردم در مورد دو نعمت مغبون هستند (از آن قدردانی و استفاده خوب نمی کنند) تندرستی و فراغت بال.

۴

يا أَباذَرٍ! اغْتَنِمْ خَمْساً قَبْلَ خَمْسٍ، شَبابَكَ قَبْلَ هِرَمِكَ، وَ صِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ وَ غِناكَ قَبْلَ فَقْرِكِ وَ فَراغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَ حَيوتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ.

ای ابوذر! پیش از آن که پنج چیز به تو روی آورد، پنج چیز را غنیمت شمار (از آن ها استفاده شایسته کن): جوانی را پیش از

پیری، تندرستی را پیش از بیماری، توانگری را پیش از پریشانی، فراغت را پیش از گرفتاری و زندگی را پیش از مرگ.

۵

یا أَباذَرٍ! إِیاکَ وَ التَّسْوِیفَ بِاَمَلِکَ، فَإِنَّکَ بِیوْمِکَ وَ لَسْتَ بِما بَعْدَهُ، فَإِنْ یکُنْ غَدٌ لَکَ فَکُنْ فِی الْغَدِ کَما کُنْتَ فِی الْیوْمِ وَ إِنْ لَمْ یکُنْ غَدٌ لَکَ لَمْ تَنْدِمْ عَلی ما فَرَّطْتَ فِی الْیومِ.

ای ابوذر! مبادا به درازی (و طول) آرزو، کارهای شایسته را به تأخیر افکنی، زیرا که تو اکنون همین امروز را داری، نه ما بعد آن را، پس اگر فردایی داشتی در آن نیز به مانند امروز باش، و اگر فردایی برایت نبود پشیمانی امروز را نخواهی برد که در آن کوتاهی کرده ای.

یا أَباذَرٍ! کَمْ مِنْ مُسْتَقْبِلٍ یوْماً لایسْتَکْمِلُهُ وَ مُنْتَظِرٍ غَداً لا یبْلُغُهُ.

ای ابوذر! چه فراوانند کسانی که صبح را به شام نمی رسانند و چه فراوان کسانی که به انتظار فردا هستند ولی به آن نمی رسند.

۶

یا أَباذَرٍ! لَوْ نَظَرْتَ إِلی الْاَجَلِ وَ مَسِیرِهِ لَاَ بْغَضْتَ الْاَمَلَ وَ غُرُورَهُ.

ای ابوذر! اگر به اجل نگری و ببینی که به سویت می آید هر آینه آرزوها و فریبکاری آن را دشمن خواهی داشت.

۷

یا أَباذَرٍ! کُنْ کَاَنَّکَ فِی الدُّنْیا غَرِیبٌ أَوْ کَعابِرِ سَبِیلٍ وَ عُدَّ نَفْسَکَ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ.

ای ابوذر! در جهان چنان زی که در دیار غربت به سر می بری، یا مانند رهگذری باش و خود را از آن گروهی بشمار که به زیر خاک آرمیده اند.

۸

یا أَباذَرٍ! إِذا أَصْبَحْتَ فَلا تُحَدِّثْ نَفْسَکَ بِالْمَساءِ وَ إِذا أَمْسَیتَ فَلا تُحَدِّثْ نَفْسَکَ بالصَّباحِ، وَ خُذْ مِنْ صِحَّتِکَ قَبْلَ سُقْمِکَ وَ مِنْ حَیوتِکَ قَبْلَ مَوْتِکَ لِاَنَّکَ لاتَدْرِی مَا اسْمُکَ غَداً.

ای ابوذر! هنگامی که صبح کردی به خویشتن نوید شامگاه مده و هنگامی که به شام رسیدی صبح گاه فردا را به خویش بازگویی منما، (هم اکنون) از تندرستی خود پیش از آن که دچار بیماری شوی و از زندگی خویش پیش از آن که مرگ تو را دریابد (برای آخرت و دینت) بهره گیری کن؛ زیرا تو نمی دانی فردا بر تو چه نام نهاده خواهد شد، (زنده یا مرده).

۹

یـا أَبـاذَر! إِیاکَ أَنْ تُـدرِکَکَ الصَّرْعَهُ عِنْـدَ العَثْرَهِ فَلا تُقالُ الْعَثْرَهُ وَلا تَمَکَّنُ مِنْ الرَّجْعَهِ وَ لا یحْمَـدُکَ مَنْ خَلَّفْتَ بِما تَرَکْتَ وَ لا یعْذِرُکَ مَنْ تَقْدِمُ عَلَیهِ بِمَا اشْتَغَلْتَ بِهِ.

ای ابوذر! مبـادا ناگهـان مرگ تو را در حال لغزش و گناه دریابـد، پس لغزش و گناه اقاله و جبران نشود و توانایی بازگشت تو را نباشـد و آن کس که انـدوخته تـو برای او مانـده تو را سپاسـگزاری نکنـد و آن کس که به سوی او می روی تو را که برای اشتغالات مادی و گرد آوردن مال از ادای وظیفه نسبت به او بازمانده ای معذور ندارد.

۱۰

یا أَباذَرٍ! ما رَاَیتُ کَالنّارِ نامَ هارِبُها وَ لا مِثْلَ الْجَنَّهِ نامَ طالِبُها.

ای ابوذر! چیزی ندیـدمماننـد آتش دوزخ که فرار کننـده از آن به خواب رفته باشد و نه مانند بهشت که خواهان آن به خواب رفته باشد.

۱۱

یا أَباذَرٍ! کُنْ عَلی عُمْرِکَ اَشَحَّ عَلی دِرْهَمِکَ وَ دِینارِکَ.

ای ابوذر! بر عمر خود بخیل تر از درهم و دینارت باش. (عمر عزیزت را به گناه و کارهای بیهوده صرف منما).

۱۲

یا أَباذَرٍ! هَلْ ینْتَظِرُ اَحَدُکُمْ إِلاَّ غِنی مُطْغیاً أَوْ فَقْراً مُنْسِیاً أَوْ مَرَضاً مُفْسِداً أَوْ هِرَماً مُقْعِداً أَوْ مَوْتاً مُجْهِزاً أَوِ الدَّجّالَ، فَإِنَّهُ شَرُّ غایبٍ أَوِ السّاعَهَ تُنْتَظَرُ وَ السّاعَهُ اَدْهی وَ اَمَرُّ.

ای ابوذر! آیا هیـچ یک از شـما جز این انتظار می برد، که ثروت و مالی که به طغیان انجامـد به دست آورد و یا فقر و پریشانی که موجب فراموشـی خـدا گردد و یـا بیمـاری که جـان او را تباه سازد یا پیری که او را از کار و فعالیت باز دارد و یا مرگ که شتابـان در رسـد و یـا دجـال (فتنه انگیز) که شـری پنهـان است و یـا رسـیدن هنگـام رسـتاخیز که انتظارش می رود و آن وقت ترسناک تر و تلخ تر است.

۱۳

یـا أَباذَر! إِنَّ شَـرَّ النّاسِ مَنْزِلَهً عِنْـدَ اللّهِ یوْمَ القِیامَهِ عالِمٌ لا ینْتَفَعُ بِعِلْمِهِ وَ مَنْ طَلَبَ عِلْماً لِیصْـرِفَ بِهِ وُجُوهَ النّاسِ إِلَیهِ لَمْ یجِـدْ رِیحَ الْجَنَّهِ. یا اَباذَرٍ! مَنِ ابْتَغی الْعِلْمَ لِیخْدَعَ بِهِ النّاسَ لَمْ یجِدْ رِیحَ الْجَنَّهِ.

یا أَباذَرٍ! اِذا سُئِلْتَ عَنْ عِلْمٍ لاتَعْلَمُهُ فَقُلْ لا اَعْلَمُهُ تَنْجَ مِنْ تَبِعَتِهِ وَ لا تُفْتِ النّاسَ بِما لاعِلْمَ لَکَ تَنْجَ مِنْ عَذابِ اللّهِ یوْمَ القِیامَهِ.

یـا أَبـاذَرٍّ یطْلِعُ قَوْمٌ مِنْ اَهْـلِ الْجَنَّهِ إِلی قَوْمٍ مِنْ أَهْـلِ النّارِ فَیقُولُونَ: ما أَدْخَلَکَمُ النّارَ؟ وَ قَـدْ دَخَلْنَا الْجَنَّهَ بِفَضْلِ تَأدِیبِکَمْ وَ تَعْلِیمِکَمْ فَیقُولُونَ: إِنّا کُنّا نَأْمُرُ بِالْخَیرِ وَ لا نَفْعَلُهُ.

ای ابوذر! همانا بدترین مردم از جهت ارزش و منزلت پیش پروردگار عالم در روز قیامت دانشـمندی است که از دانش او بهره برده نمی شود و هر کس طلب کند علم(دین) را که توجّه مردم را به سوی خویش جلب کند، بوی بهشت به او نرسد. (ای

ابوذر) هرکس دانش آموزد تا با آن مردم را بفریبد بوی بهشت به او نرسد.

ای ابوذر! هرگـاه از تو چیزی پرسـیدند که نمی دانی پس (به ندانسـتن آن اعتراف کن) بگو نمی دانم تا از گرفتاری و عقوبت آن برهی، و به آنچه نمی دانی فتوی مده تا از عذاب خدای در روز رستاخیز رهایی یابی.

ای ابوذر! (روز قیـامت) گروهی از اهل بهشت به سوی گروهی از اهل دوزخ سرکشـی می کننـد، پس می پرسـند: به چه علت شما در آتش افتاده اید؟ در حالی که ما به برکت تعلیم و تربیت شما به بهشت رسیده ایم؟ پس در جواب گویند: ما دیگران را به کار خیر و اعمال شایسـته دسـتور می دادیم ولی خود از به کار بسـتن آن فروگذاری می کردیم (و به آن کارهای خیری که دیگران را امر می کردیم، عمل نمی کردیم.)

۱۴

یـا أَبـاذَرٍ! إِنَّ حُقُوقَ اللَّه جَلَّ ثَنـاؤُهُ اَعْظَمُ مِنْ أَنْ يقُومَ بِهَا الْعِبـادُ، وَ إِنَّ نِعَمَهُ اَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصِيهَا الْعِبـادُ، وَلكِنْ اَمْسُوْا تـائِبِينَ وَ اَصْبِحُوا تائِبِينَ.

ای ابوذر! حقوق خداونـد «جـل ثنائه» بزرگ تر از آن است که بنـدگان بتواننـد به آن حقوق قیام نماینـد و همانا نعمت های او بیشتر از آن است که بنـدگان به شـمارش آن توانـا باشـند، ولی شـما با توبه داخل شامگاه شویـد و هر صبح (به سوی او) توبه کنید (به تقصیر خویش اعتراف نمایید.)

۱۵

یـا أَبـاذَرٍ! إِنَّکَ فِی مَمَرِّ اللَّيلِ وَ النَّهارِ فِی اجالٍ مَنْقُوصَهٍ وَ اَعْمالٍ مَحْفُوظَهٍ وَ الْمَوْتُ يأْتِی بَغْتَهً وَ مَنْ يزْرَعُ خَيراً يوشِکُ أَنْ يحْصِدَ خَيراً وَ مَنْ يزْرَعُ شَرّاً يوشِکُ اَنْ يحْصَدَ نَدامَهً وَلِکُلِ ّزارعٍ ما زَرَعَ.

ای ابوذر! همانا تو در عبورگاه شب و روز قرار گرفته ای، در مـدّت های کوتاه، و اعمالی که ضـبط و نگهـداری می شونـد، و مرگ ناگهـان می آیـد و هرکس تخـم نیکی کـاشت بـه زودی از آن خیر و سـعادت دِرَو خواهـد کرد و هرکس تخـم شـر و بدکاری کاشت جز ندامت از آن دِرَو نخواهد نمود و هر بَرزگر آن دِرَو خواهد کرد که کاشته است.

۱۶

یا أَباذَرٍ! لا يسْبَقُ بَطِیءٌ بِحَظِّهِ وَ لا يدْرِکُ حَرِيصٌ ما لَمْ يقَدَّرْ لَهُ وَ مَنْ أُعْطِی خَيراً فَاللَّهُ أَعْطاهُ وَ مَنْ وُقِی شَرّاً فَاللَّهُ وَقاهُ.

ای ابوذر! بهره کسـی را که شـتاب نمی کنـد دیگری نمی توانـد ببرد و آزمند و طمعکار به آنچه که برای وی مقدر نشده نمی رسد و هرکس به خیری رسد پس خدا به او عطا فرموده و هرکس از شری نگهداری شده خدا او را نگهداری کرده است.

۱۷

يا أَباذَرٍ! اَلْمُتَّقُونَ سادَةٌ وَ الْفُقَهآءُ قادَةٌ وَ مُجالَسَتَهُمْ زِيادَةٌ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيرى ذَنْبَهُ كَاَنَّهُ تَحْتَ صَخْرَةٍ يخافُ اَنْ تَقَعَ عَلَيهِ وَ إِنَّ الْكافِرَ لَيرى ذَنْبَهُ كَاَنَّهُ ذُبابٌ مَرَّ عَلى اَنْفِهِ.

ای ابوذر! پرهیزکاران بزرگوارانند و فقها پیشوایانند و همنشینی با آنان موجب زیادی (علم و فضیلت است)، انسان با ایمان گناه خود را چنان با اهمیت می نگرد به مانند آن که زیر تخته سنگی قرارگرفته که بیم دارد بر وی فرود آید، ولی انسان کافر و خدانشناس به گناه چنان می نگرد که گویا مگسی بر روی بینی او درگذر است.

۱۸

يا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَبارَكَ وَ تَعالى إِذا اَرادَ بِعَبْدٍ خَيراً جَعَلَ الذُّنُوبَ بَينَ عَينَيهِ مُمَثَّلَةً وَ الاِثْمَ عَلَيهِ ثَقِيلاً وَ بِيلاً وَ إِذا اَرادَ بِعَبْدٍ شَرّاً اَنْساهُ ذُنُوبَهُ.

ای ابوذر! خدای (تبارك و تعالی) به هر بنده ای اراده خیر و سعادت داشته باشد گناهان را نصب العینش ساخته و نافرمانی و گناه را در نظر او سنگین و دشوار می سازد و هرگاه به بنده ای (در اثر نیات واعمال بدش) اراده بدی و بدبختی نموده باشد گناهان او را از خاطرش فراموش می سازد.

۱۹

يا أَباذَرٍ! لاتَنْظُرْ إِلى صِغَرِ الْخَطِيئَةِ وَلكِنِ انْظُرْ إِلى مَنْ عَصَيتَ.

ای ابوذر! به کوچکی گناه ننگر لکن بنگر که چه کسی را نافرمانی کرده ای.

۲۰

يا أَباذَرٍ! إِنَّ نَفْسَ الْمُؤْمِنِ اَشَدُّ ارْتِكاضاً مِنَ الْخَطِيئَةِ مِنَ الْعُصْفُورِ حِينَ يقْذَفُ بِهِ فِي شَرَكِهِ.

ای ابوذر! اضطراب جان و دل انسان با ایمان برای گناه شدیدتر از اضطراب دل گنجشك است هنگام به دام افتادن.

۲۱

يا أَباذَرٍ! مَنْ وافَقَ قَوْلُهُ فِعْلَهُ فَذلِكَ الَّذِى أَصابَ حَظَّهُ وَ مَنْ خالَفَ قَوْلُهُ فِعْلَهُ فَاِنَّما يوَبِّخُ نَفْسَهُ.

ای ابوذر! هر آن کس که کردارش با گفتارش مطابقت کند بهره خود را (از سعادت) دریافت نموده و هر آن کس که کردارش مخالف گفتارش باشد جز این نیست که (هنگام پاداش) خویشتن را سرزنش خواهد کرد

۲۲

يا أَباذَرٍ! اَلرَّجُلُ لَيحْرَمُ رِزْقَهُ بِالذَّنْبِ يصِيبُهُ.

ای ابوذر! مرد به سبب گناهی که می کند (چه بسا) از روزی خویش (که برایش مقرر شده) محروم می گردد.

۲۳

یا أَباذَرٍ! دَعْ ما لَسْتَ مِنْهُ فِی شَیءٍ وَ لا تَنْطُقْ فِیما لا یعْنِیکَ وَ اخْزَنْ لِسانَکَ کَما تَخْزَنُ وَرَقَکَ.

ای ابوذر! هرچه را که در آن تو را بهره نیست و به هیچ وجه به تو مربوط نمی شود ترک کن و به سخنی که فایده به حال تو ندارد لب مگشا و زبان خود را مانند پول خود که در حفظ آن می کوشی نگهداری نما.

۲۴

یا أَباذَرٍ! اِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ لَیدْخِلُ قَوْماً اَلْجَنَّهَ فَیعْطِیهِمْ حَتّی یمِلُّوا وَ فَوْقَهُمْ قَوْماً فِی الدَّرَجاتِ الْعُلی فَإِذا نَظَرُوا إِلَیهِمْ عَرَفُوهُمْ، فَیقُولُونَ رَبَّنا إِخْوانُنا کُنّا مَعَهُمْ فِی الدُّنْیا فَبِمَ فَضَّلْتَهُمْ عَلَینا، فَیقال هَیهاتَ، هَیهاتَ، إِنَّهُمْ کانُوا یجُوعُونَ حِینَ تَشْبَعُونَ وَ یظْمَئُونَ حِینَ تَرْوُونَ وَ یقُومُونَ حِینَ تَنامُونَ وَ یشْخَصُونَ حِینَ تَخْفَضُونَ.

ای ابوذر! خدای (جل ثنائه) گروهی را به بهشت می برد پس چندان به آنان (نعمت) عطا می فرماید که خسته می شوند، و در فوق آنان گروهی دیگری هستند که در پایه های بالاترند، چون به آن ها می نگرند آنان را می شناسند پس می گویند: پروردگارا! اینان همان برادران ما هستند که در دنیا با هم بودیم (زندگی می کردیم) پس چرا آنان را بر ما برتری داده ای؟ در پاسخ گفته می شود: هیهات هیهات، آن گاه که شما سیر بودید آنان گرسنگی می کشیدند، آن گاه که سیراب بودید آنان تشنگی می بردند (روزه داشته) آن گاه که شما خواب بودید آنان ایستاده (به نماز مشغول) بودند، آن گاه که شما به استراحت می پرداختید آنان برای خدا (از جا بلند می شدند) بیرون می شتافتند.

۲۵

یا أَباذَر! جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ قُرَّهَ عَینِی فِی الصَّلوهِ، وَ حَبَّبَ إِلی الصَّلوه کَما حَبَّبَ إِلی الْجائِعِ الطَّعامَ وَ إِلی الْظَّمْآنِ الماَءَ وَ اِنَّ الْجائِعَ إِذا اَکَلَ شَبِعَ وَ إِنَّ الظَمْآنَ إِذا شَرِبَ رَوِی وَ اَنَا لا اَشْبَعُ مِنَ الصَّلوهِ.

ای ابوذر! خدای عزوجل نماز را نور دیده من قرار داده و آن را چنان محبوب من ساخته است که گرسنه، غذا را و تشنه، آب را دوست می دارد. البته گرسنه مقداری از غذا را می خورد سیر می گردد، تشنه نیز قدری که آب می نوشد سیراب می گردد، ولی من از نماز سیر نمی شوم.

۲۶

یا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَعالی بَعَثَ عِیسَی بْنَ مَرْیمَ علیه السلام بِالرُّهْبانِیهِ وَ بُعِثْتُ بالْحَنِیفَهِ السَّمْحَهِ وَ حَبَّبَ إِلَی النِّساءَ وَ الطِّیبَ وَ جَعَلَ فِی الصّلوهِ قُرَّهَ عَینِی.(۳)

ای ابوذر! خدای متعالی، عیسی علیه السلام را به رهبانیت مبعوث داشته و من به دین پاک و آسان برانگیخته شده ام و

خوشبویی و زندگی با زن را به من محبوب ساخته و نور چشم مرا در نماز قرار داده است.

۲۷

یا أَباذَرٍ! اَیما رَجُلٍ تَطَوَّعَ فِی کُلِ ّیوْم وَ لَیلَهٍ اثْنَتی عَشْرَهً رَکْعَهً سِوَی الْمَکْتُوبَهِ کانَ لَهُ حَقّاً واجِباً بَیتٌ فِی الْجَنَّهِ.

ای ابوذر! هر مردی که در شبانه روز فزون تر از نمازهای واجب دوازده رکعت نماز بگزارد، حقّ ثابت او در برابر آن، خانه ای در بهشت خواهد بود.

(شاید مراد از این دوازده رکعت نافله عشاء با نافله شب با شفع و وتر باشد چون که نافله عشاء که دو رکعت نشسته است که به منزله یک رکعت شمرده می شود).

۲۸

یا أَباذَرٍ! اِنَّکَ ما دُمْتَ فِی الصَّلوهِ فَإِنَّکَ تَقْرَعُ بابَ المَلِکِ الْجَبّارِ وَ مَنْ یکْثِرْ قَرْعَ بابِ الْمَلِکِ یفْتَحْ لَهُ.

ای ابوذر! تـا آن گـاه که تو در حـال نمـازی، به کوبیـدن در پادشـاه جبار پرداخته ای و هر آن کس که درِ خانه پادشاه را زیاد بکوبد بالاخره به روی او باز می گردد (یکی از صفات خدای متعال، جبار است که به معنای: بزرگوار، فرمانفرما و مصلح امور نیز آمده است.)

۲۹

یا أَباذَرٍ! ما مِنْ مُؤْمِنٍ یقُومُ مُصَلّیاً إِلاَّ تَناثَرَ عَلَیهِ الْبِرُّ ما بَینَهُ وَ بَینَ الْعَرْشِ و وکِّلَ بِهِ مَلَکٌ ینادِی یابْنَ آدَمَ لَوْ تَعْلَمُ مَالَکَ فِی الصَّلوهِ وَ مَنْ تُناجِی مَا انْفَتَلْتَ.

ای ابوذر! انسان با ایمان هرگاه که به نماز می ایسـتد رحمت پروردگار عالم تا عرش بر او احاطه کند و فرشته ای بر او گماشته می شود که ندا می کند فرزند آدم اگر می دانستی که در نماز چه نصیب تو می گردد و با چه کسی سخن می گویی هرگز از آن باز نمی ایستادی.

۳۰

یـا أَباذَرٍ! طُوبی لِاَصْحابِ الْاَلْوِیهِ یوْمَ الْقِیامَهِ یحْمِلُونَها فَیسْبِقُونَ النّاسَ إِلی الْجَنَّهِ، اَلا هُمُ السّابِقُونَ إِلی الْمَساجِدِ بِالْاَسْحارِ وَ غَیرِ الْاَسْحارِ.

ای ابوذر! خوشـا به حـال آنان که در روز رسـتاخیز علمـدار و پرچمدارنـد، پرچم را پیشاپیش مردم گرفته و بر آنان در رفتن به بهشت پیشی می گیرند، آنان همان افرادی هستند که سحرگاهان و سایر اوقات به مسجدها پیشی می جویند.

۳۱

يـا أَبـاذَرٍ! الصَّلوةُ عِمادُ الـدِّينَ وَ اللِّسانُ اَكْبَرُ وَ الصَّدَقَةُ تَمْحُوا الْخَطِيئَهَ وَ اللِّسانُ اَكْبَرُ وَ الْصَوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّار وَ اللِّسانُ اَكْبَرُ وَ الْجِهادُ نَباهَةٌ وَ اللِّسانُ اَكْبَرُ.

ای ابـوذر! نمـاز سـتون دیـن اسـت، و (آنچـه از یـاد خـدا به) زبـان (می آیـد) بزرگ تر است! صـدقه گناهـان را می زدایـد، و (گفتاری که با) زبان (به مردم سود بخشد از صدقه) بزرگ تر است. روزه سپری است در مقابل آتش و (امساک) زبان بزرگ تر است و جهاد شرافت و عزت است و (جهاد با) زبان (مثل امر به معروف و ... از نظر شرافت) بزرگ تر است.

۳۲

یا أَباذَرٍ! اَلـدَّرَجَهُ فِی الْجَنَّهِ فَوْقَ الدَّرَجَهِ کَما بَینَ السَّمآءِ وَ الْارضِ وَ أَنَّ الْعَبْدَ لَیرْفَعُ بَصَـرَهُ فَیلْمَعُ لَهُ نُورٌ یکادُ یخْطَفُ بَصَـرَهُ فَیفْزَعُ لِـذلِکَ فَیقُولُ: ما هـذا؟ فَیقالُ هـذا نُورُ اَخِیکَ. فَیقُولُ: أَخِی فَلانٌ؟ کُنّا نَعْمَلُ جَمِیعاً فِی الدُّنْیا وَ قَدْ فُضِّلَ عَلَی هکَذا، فَیقالُ لَهُ: اِنَّهُ کانَ اَفْضَلَ مِنْکَ عَمَلاً، ثُمَّ یجْعَلُ فِی قَلْبِهِ الرِّضا حَتّی یرْضی

ای ابوذر! بلندی درجه در بهشت بر بالای درجه دیگر و فاصـله آن دو مانند فاصله ما بین زمین تا آسمان است، انسان بهشتی به بالا می نگرد، پیش دیدگان وی پرتوی از نور چنان برق می زند که نزدیک است آن نور، دیدگان او را نابینا سازد، می پرسد: این چه نوری است؟ پاسخ می گوینـد: این نور برادر تو فلانـی است، می گویـد: فلان برادرم؟ ما همگی در دنیا کارهای خـدا پسندگانه می نمودیم، چگونه او برتری بر من جسته است این چنین؟ می گویند: او در کردار نیک بر تو برتری داشت، آن گاه رضا و خشنودی در دل او نهاده می شود تا خرسند گردد.

۳۳

یا أَباذَرٍ! اَلـدُّنْیا سِـجنُ الْمُؤمِنِ وَ جَنَّهُ الکافِرِ وَ ما اَصْـبَحَ فِیها مُؤْمِنٌ إلاَّ حَزِیناً، فَکَیفَ لایحْزَنُ وَ قَدْ أوْ عَـدَهُ اللَّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ اِنَّهُ وارِدُ جَهَنَّمَ وَ لَمْ یعِدْهُ اِنَّهُ صادِرٌ عَنْها، وَ لَیلْقَینَّ اَمْراضاً وَ مُصِیباتٍ وَ اُمُوراً تَغِیظُهُ وَ لَیظْلَمَنَّ فَلا ینْتَصَرُ، یبْتَغِی ثَواباً مِنْ اللَّهِ تَعالی فَما یزالُ فِیها حَزِیناً حَتّی یفارِقَها، فَإِذا فَارَقَها أُفْضِی إِلَی الرَّاحَهِ وَ الْکَرامَهِ.

ای ابوذر! دنیـا برای انسـان با ایمان زنـدان است و برای انسان کافر (بی ایمان) بهشت است، هیـچ انسان با ایمان در دنیا شب را جز با اندوه صبح نمی کند، چرا اندوهگین نباشد، با این که

خـدایش (جـل ثنـائه) خبر داده است که انسان در دوزخ فرود خواهـد آمـد ولی بیرون آمـدنش را به او، وعـده (حتمی) نـداده است.(۴) (و دیگر این که) با بیماری ها و گرفتاری ها و پیشامدها و ناگواری هایی حتماً مواجه می گردد و حتماً ستم می بیند، پس کسـی او را یـاری نمی کنـد، (بـه علت صـبر بر مصـیبت هـا) از خـدای متعـال طـالب ثـواب است، و همیشه در این جهـان انـدوهگین است تـا از آن جـدا شود و بیرون رود ولی آن گـاه که از جهـان بیرون شـتافت، به سوی راحـتی و کرامت (خـدای مهربان) سرازیر و وارد می گردد.

۳۴

یا أَباذَرٍ! ما عُبِدَاللَّهُ عَلی مِثْلِ طُولِ الْحُزْنِ.

ای ابوذر! خـدای جهان هیچگاه بمانند درازی اندوه عبادت نشده است (بنده ای که همواره از آتش عذاب خدا ترسان بوده، و برای خـدا مـدت های طولانی در برابر ناملایمات، صبر ورزیـده و برای دوری از مقامات معنوی محزون است، از همه فزون تر خدا را بندگی کرده است.)

۳۵

یـا أَباذَرٍ! مَنْ أُوتِی مِنَ الْعِلْم ما لا یبْکِیهِ لَحَقِیقٌ أَنْ یکُونَ قَـدْ أُوتِی عِلْمَ ما لا ینْفَعُهُ، لِاَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَعَتَ الْعُلَمآءَ فَقالَ: «إِنَّ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا یتْلَی عَلَیهِمْ یخِرُّونَ لِلْأَذْقانِ سُـجَّداً وَیقُولُونَ سُـبْحانَ رَبِّنا إِنْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً وَیخِرُّونَ لِلْأَذْقانِ یبْکُونَ وَیزِیدُهُمْ خُشُوعاً».(۵)

ای ابوذر! هرکس را علمی بدهند که او را نگریاند، سـزاوار است گفته شود علمی بدو داده شده که او را ثمر نمی بخشد؛ زیرا خداوند عزوجل در قرآن کریم علما را چنین توصیف فرموده است:

«آنـان که پیش از بعثت پیغمبر اسـلام صـلی الله علیه وآله یـا قبـل از نزول قرآن به آن هـا دانش داده شـده هنگامی که قرآن بر آنان خوانـده می شود به حالت سـجده به رو می افتند و می گویند پاک است پروردگار ما، وعده های او انجام خواهد یافت و آنان به رو می افتند و می گریند و خشوع دلشان بیشتر می گردد.»

۳۶

یـا أَبـاذَرٍ! مَـنِ اسْـتَطاعَ أَنْ یبْکِی فَلْیبْـکِ وَ مَـنْ لَـمْ یسْـتَطِعْ فَلیشْـعِرْ قَلْبَـهُ الْحُزْنَ وَ لْیتَبـاکَ، إِنَّ الْقَلْبَ القاسِـی بَعِیـدٌ مِنَ اللَّهِ وَلکِنْ لایشْعُرُونَ.

ای ابوذر! هرکس می تواند (از ترس خدای توانا) بگرید پس باید بگرید و هرکس نمی تواند «لااقل» دل خود را به اندوه آشـنا سازد و به صورت گریه وا دارد؛ زیرا دل با قساوت، از خدا دور است ولی آنان درک این معنی نمی کنند.

۳۷

یـا أَبـاذَر! یقُولُ اللَّهُ تَبـارَکَ وَ تَعـالی لاـ أَجْمَعُ عَلی عَبْدٍ خَوْفَینِ وَ لا أَجْمَعُ لَهُ أَمْنَینِ فَإذا أَمِنَنِی فِی الـدُّنْیا أَخَفْتُهُ یوْمَ القِیامَهِ وَ إِذا خافَنِی فِی الدُّنْیا امَنْتُهُ یوْمَ القِیامَهِ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی می فرماید: من بر بنده دو ترس را جمع نمی کنم و دو ایمنی را نیز جمع نمی نمایم، اگر او در این جهان از من ایمن بود (و هیچ نترسید) در جهان دیگر او را خواهم ترسانید، ولی اگر در این جهان از من ترسناک بود روز رستاخیز او را ایمن خواهم ساخت.

۳۸

یا أَباذَر! لَوْ أَنَّ رَجُلًا کانَ لَهُ کَعَمَلِ سَبْعِینَ نَبِیاً لَاحْتَقَرَهُ وَ خَشِی أَنْ لا ینْجُوَ مِنْ شَرِّ یوْمِ القِیامَهِ.

ای ابوذر! اگر مردی به قدر هفتاد پیامبر اعمال نیک داشته باشد می باید آن را ناچیز شمارد و بترسد از شرّ روز قیامت نجات نیابد.

۳۹

یا أَباذَر! إِنَّ الْعَبْدَ لَیعْرَضُ عَلَیهِ ذُنُوبُهُ یوْمَ القِیامَهِ فَیقُولُ: اَما إِنّی کُنْتُ مُشْفِقاً فَیغْفَرُلَهُ.

ای ابوذر! گناهان بنده (با ایمان) در روز قیامت به او ارائه می شود، پس می گوید: در دنیا من ترسان بودم، در نتیجه گناهانش آمرزیده و بخشیده می گردد.

۴۰

یـا أَبـاذَر! إِنَّ الرَّجُلَ لَیعْمَلُ الْحَسَنَهَ فَیتَّکِلُ عَلَیها وَ یعْمَلُ الْمُحقَّراتِ حَتّی یأتِی اللَّهَ وَ هُوَ عَلَیهِ غَضْبانُ وَ اَنَّ الرَّجُلَ لَیعْمَلُ السَّیئَهَ فَیفْرُقَ مِنْها فَیأتِی اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ امِناً یوْمَ القِیامَهِ.

ای ابوذر! مردی کـاری نیـک انجام می دهـد و به اتّکال و اعتماد بر آن کار خوب، گناهانی کوچک مرتکب می گردد (و در برابر کردار نیک خویش گناه را سهل می انگارد) چنین کسی هنگامی که پیش خدا می رود او بر وی خشمگین است، مردی نیز گنـاه و کـار بـد مرتکب می گردد ولی از عقوبت آن هراسـان است، چنین کسـی در روز قیـامت با خاطر آسوده بر خـدای عزوجل وارد می شود.

۴۱

یا أَباذَر! إِنَّ العَبْدَ لَیذْنِبُ الذَّنْبَ فَیدْخُلُ بِهِ الْجَنَّهَ.

فَقُلْتُ: وَ کَیفَ ذلِکَ بِاَبِی اَنْتَ وَ أُمِّی یا رَسُولَ اللَّهِ؟

قالَ صلی الله علیه وآله: یکُونُ ذَلِکَ الذَّنْبُ نَصْبَ عَینَیهِ تائِباً مِنْهُ فَارّاً إِلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَتّی یدْخُلَ الْجَنَّهَ.

ای ابوذر! بنده خدا گناهی می کند و به سبب آن به بهشت می رود.

پس گفتم: یا رسول اللّه پدرم و مادرم فدای تو باد چگونه ممکن است؟

فرمود: گناه را نصب العین خود قرار می دهد و همواره از آن توبه و فرار نموده و به خدا پناه می برد تا آن گاه که به بهشت در می آید.

۴۲

یا أَباذَرٍ! اَلْکَیسُ مَنْ أَدَّبَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِما بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْعاجِزُ مَنِ اتَّبَعَ نَفْسَهُ وَ هَواها وَ تَمَنّی عَلَی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ الْاَمانِی.

ای ابوذر! انسان زیرک و با کیاست کسی است که به تأدیب نفس خویش بپردازد و برای زندگی بعد از مرگ دست به کار شود و انسان ناتوان (که زیرکی ندارد) کسی است که به دنبال نفسش و خواهش های او برود و با آن حال از خدای عزوجل آرزوهایی داشته باشد.

۴۳

یا أَباذَرٍ! إِنَّ اَوَّلَ شَی ءٍ یرْفَعُ مِنْ هذِهِ الْاُمَّهِ الْامانَهُ وَ الْخُشُوعُ حَتّی لایکادُ یری خاشِعٌ.

ای ابوذر! نخستین چیزی که از امّت من برداشته می شود (صفت) امانت و خشوع است، تا آنجا که نزدیک است فردی با خشوع دیده نشود.

۴۴

یا أَباذَرٍ! وَالَّذِی نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِیدِهِ لَوْ أَنَّ الدُّنْیا کانَتْ تَعْدِلُ عِنْدَاللّهِ جَناحَ بَعُوضَهٍ أَوْ ذُبابٍ ما سَقی الْکافِرَ مِنْها شَرْبَهً مِنْ ماءٍ.

ای ابوذر! سوگند به خدایی که جان محمدصلی الله علیه وآله در دست اوست! اگر دنیا پیش خدا به قدر پر پشه یا مگسی ارزش داشت به انسان کافر حتی یک شربت آب از آن (دنیا) نمی داد.

۴۵

یا أَباذَرٍ! الدُّنْیا مَلْعُونَهٌ وَ مَلْعُونٌ ما فِیها إِلاَّ مَا ابْتُغِی بِهِ وَجْهُ اللّهِ وَ ما مِنْ شَی ءٍ اَبْغَضُ إِلَی اللّهِ تَعالی مِنَ الدُّنْیا خَلَقَها ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْها(۶) فَلَمْ ینْظُرْ إِلَیها وَ لا ینْظُرُ إِلَیها حَتّی تَقُومَ السَّاعَهُ وَ ما مِنْ شَیءٍ أَحَبُّ إِلَی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْایمانِ بِهِ وَ تَرْکِ ما اَمَرَ بِتَرْکِهِ.

ای ابوذر! دنیا و آنچه در آن است لعنت شده، مگر آنچه به وسیله آن تحصیل رضای الهی گردد(۷) و پیش پروردگار تعالی چیزی مبغوض تر از دنیا نیست، آن را بیافرید سپس از آن اعراض فرمود و دیده رحمت از آن تا قیام قیامت ببرید و به سوی آن نظر نخواهد فرمود و هیچ چیزی در پیش او محبوب تر از ایمان به خدا و دوری جستن از محرّمات و گناهان نیست.

۴۶

یـا أَبـاذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَبـارَکَ وَ تَعالی أَوْحی إِلی اَخِی عِیسی یا عِیسـی لاتُحِبَّ الـدُّنْیا فَإِنِّی لَسْتُ أُحِبُّها، وَأَحِبَّ الْآخِرَهَ فَإِنَّما هِی دارُ الْمَعادِ.

ای ابوذر! خـدای تبارک و تعالی به برادرم عیسی وحی فرمود: ای عیسـی! دنیا را دوست مـدار زیرا من آن را دوست نـدارم و آخرت را دوست بدار، زیرا که فقط همانجا خانه بازگشت است.

۴۷

یا أَباذَرٍ! إِنَّ جَبْرَئِیلَ اَتانِی بِخَزائِنِ الدُّنْیا عَلی بَغْلَهٍ شَهْبآءَ فَقالَ لِی: یا مُحَمَّدُ! هذِهِ خَزائِنُ الدُّنْیا وَ لاینْقُصُکَ مِنْ حَظِّکَ عِنْدَ رَبِّکَ.

فَقُلْتُ: حَبِیبِی جَبْرَئِیلُ لا حاجَهَ لِی فِیها، إِذا شَبِعْتُ شَکَرْتُ رَبِّی وَ إِذا جُعْتُ سَئَلْتُهُ.

ای ابوذر! همانا جبرئیل گنـج های جهان را بر أستری رنگارنگ پیش من آورد پس به من گفت: ای محمّـد! این ها گنـج های دنیاست، (بگیر و بدان) که چیزی از نصیب تو را پیش پروردگارت نخواهد کاست.

پس گفتم: حبیب من جبرئیل مرا در آن ها نیازی نیست، من هرگاه سـیر شدم خدا را سـپاس می گویم و هرگاه گرسنه شدم از او سؤال می کنم.

۴۸

یا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذا اَرادَ بِعَبْدٍ خَیراً فَقَّهَهُ فِی الدِّینَ وَ زَهَّدَهُ فِی الدُّنْیا وَ بَصَّرَهُ بِعُیوبِ نَفْسِهِ.

ای ابوذر! خـدای عزّوجلّ هرگاه خیر کسـی را بخواهد او را در دین فقیه (و دانا) می سازد و در دنیا زاهد می گرداند و او را به عیب های خویش بینا می سازد.

۴۹

یا أَباذَرٍ! ما زَهِـدَ عَبْدٌ فِی الدُّنْیا إِلاَّ اَنْبَتَ(۸) اللَّهُ الْحِکْمَهَ فِی قَلْبِهِ وَ اَنْطَقَ بِهـا لِسانَهُ وَ بَصَّرَهُ عُیوبَ الـدُّنْیا وَ دائَها وَ دَوائَها وَ اَخْرَجَهُ مِنْها سالِماً إِلی دارِالسَّلامِ.

ای ابوذر! بنـده ای در دنیا زهد نورزید مگر این که خدا حکمت را در دلش رویاند (یا در قلب او جایگزین می کند) و زبانش را به آن گویـا سـاخته و او را به عیب هـای دنیا، دردها و دواهای آن بینا و آشـنا گردانیـده و او را سالم از دنیا به سوی بهشـت بیرون می برد.

۵۰

یا أَباذَرٍ! إذا رَأَیتَ أَخاکَ قَدْ زَهِدَ فِی الدُّنْیا فَاسْتَمِعْ مِنْهُ فَإِنَّهُ یلْقِی إِلَیکَ الْحِکْمَهَ.

قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ اَزْهَدُ النَّاسِ؟

قالَ صلی الله علیه وآله: مَنْ لَمْ ینْسَ الْمَقابِرَ وَ الْبِلی وَ تَرَکَ فَضْلَ زِینَهِ الدُّنْیا وَ اثَرَ ما یبْقی عَلی ما یفْنی وَ لَمْ یعُدَّ غَدَاً مِنْ اَیامِهِ وَ عَدَّ نَفْسَهُ فِی الْمَوْتی

ای ابوذر! آن گاه که دیدی برادر تو در دنیا زهد می ورزد و به دنیا بی علاقه است به سخنان او گوش ده، زیرا او به تو حکمت فرا می خواند.

گفتم: یا رسول اللّه! زاهدترین مردم کیست؟

فرمود: کسی که قبور و پوسیدن اجساد را فراموش نکند و زیادی زینت دنیا را ترک کند و آنچه را باقی می ماند (آخرت) بر آنچه فانی و نابود می شود (دنیا) ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش نشمرده و خود را در میان مردگان به شمار آورد.

۵۱

یا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی لَمْ یوحِ إِلَی أَنْ اَجْمَعَ الْمالَ وَلکِنْ أَوْحی إِلَی أَنْ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَ کُنْ مِنَ السَّاجِدِینَ وَ اعْبُدْ رَبَّکَ حَتّی یأْتِیکَ الْیقِینُ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی به من وحی نفرموده است که مال و ثروت گردآوری کنم، بلکه به من وحی فرمود که (به پاس نعمت های پروردگارت) او را تسبیح و تقدیس نما و (به من وحی فرمود که) از سجده کنندگان باش و تا آن گاه که مرگ (که یقین است) به تو فرا رسد او را عبادت کن.

۵۲

یا أَباذَرٍ! إِنِّی اَلْبَسُ الْغَلِیظَ وَ اَجْلِسُ عَلَی الْاَرْضِ وَ اَلْعَقُ اَصابِعِی وَ اَرْکَبُ الْحِمارَ بِغَیرِ سَرْجٍ وَ اَرْدِفُ خَلْفِی فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِی فَلَیسَ مِنِّی.

ای ابوذر! من لباس خشن می پوشم و بر زمین می نشینم و انگشتان خود را (هنگام خوردن طعام) لیس می زنم و بر الاغ بی زین سوار می شوم و دیگری را در پشت سر خود سوار می کنم، پس هرکس از شیوه رفتار من روی بتابد از من نیست.

۵۳

یا أَباذَرٍ! حُبُّ الْمالِ وَ الشَّرَفِ اَذْهَبُ لِدِینِ الرَّجُلِ مِنْ ذِئْبَینِ ضارِیینِ فِی زَرْبِ الغَنَمِ فَاَغارَا فِیها حَتّی اَصْبَحا فَماذا اَبْقَیا مِنْها.

قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ الْخائِفُونَ الْخاضِعُونَ الْمُتَواضِعُونَ الذّاکِرُونَ اللَّهَ کَثِیراً أَهُمْ یسْبِقُونَ النَّاسَ إِلی الجَنَّهِ؟

قـالَ: لاـ وَلكِنْ فُقَرآءُ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُمْ يتَخَطَّوْنَ رِقابَ النَّاسِ فَيقُولُ لَهُمْ خَزَنَهُ الْجَنَّهِ كَما أَنْتُمْ حَتّى تُحاسَبُوا فَيقُولُونَ بِمَ نُحاسَبُ فَوَاللَّهِ ما مَلَكْنا فَنَجُورَ وَ نَعْدِلَ وَ لا أُفِيضَ عَلَينا فَنَقْبِضَ وَ نَبْسُطَ وَلَكِنَّا عَبَدْنا رَبَّنا حَتّى دَعانا فَاَجَبْنا.

ای ابوذر! دوستی مال و شرف و مقام دنیوی، بر دین مرد، از دو گرگ خونخوار بر گله گوسفند بیشتر صدمه می زند که (شبانه) بر آن هجوم آورند تا صبحگاه چه از گوسفندان به جای بگذارند؟!

گفتم: یا رسول اللَّه! کسانی که از خدا همی ترسند و خاضع و متواضعند و خدا را زیاد یاد می کنند آیا آنان به دیگران در بهشت سبقت خواهند جست؟

فرمود: نه، بلکه بینوایان مسلمین، قدم بر شانه های مردم نهاده و به سوی بهشت روان خواهند شد، آن گاه خزانه داران بهشت می گویند: به جای خویش باشید تا درباره شما حساب به عمل آید، پاسخ می دهند. بر چه ما را حساب خواهند نمود، به خدا قسم ما حکومتی نداشتیم تا جور

و ستم بکنیم و (یا) عدل و داد به کار بندیم و ثروتی به ما داده نشده بود که ببخشیم و (یا) بخل ورزیم ولکن ما پروردگار خود را عبادت و بندگی کردیم تا دعوت حقّ را لبیک گفتیم.

۵۴

یا أَباذَرٍ! إِنَّ الدُّنْیا مُشْغِلَهٌ لِلْقُلُوبِ وَ الْاَبْدانِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی سائِلُنا عَمَّا نَعِمْنا فِی حَلالِهِ فَکَیفَ بِما نَعِمْنا فِی حَرامِهِ.

ای ابوذر! دنیا دل و جان و تن مردم را به خود مشغول می دارد و به حقیقت که خداوند تبارک و تعالی ما را از نعمت های حلال که به ما ارزانی شده مورد بازجویی قرار خواهد داد تا چه رسد به نعمت هایی که از حرام به دست آمده است.

۵۵

یا أَباذَرٍ! إِنِّی قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلالُهُ أَنْ یجْعَلَ رِزْقَ مَنْ یحِبُّنِی الْکِفافَ وَ أَنْ یعْطِی مَنْ یبْغِضُنِی کَثْرَهَ الْمالِ وَ الْوَلَدِ.

ای ابوذر! من از خدا (جل جلاله) خواسته ام که روزی دوستداران مرا به قدر حاجت قرار دهد و مال و فرزند دشمنان مرا زیاد گرداند.

۵۶

یا أَباذَرٍ! طُوبی لِلزَّاهِدِینَ فِی الدُّنْیا الرَّاغِبِینَ فِی الْاخِرَهِ الَّذِینَ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بِساطاً وَ تُرابَها فِراشاً وَ مائَها طِیباً وَ اتَّخَذُوا کِتابَ اللَّهِ شِعاراً وَ دُعائَهُ دِثاراً یقْرِضُونَ الدُّنْیا قَرْضاً.

ای ابوذر! خوشا به حال کسانی که در دنیا زهد ورزیده و به آخرت دل بستند، زمین خدا را بساط و خاک آن را فرش و آب آن را عطر خویش قرار داده اند و کتاب خدا را همانند پیراهن زیرین نزدیک به خود ساخته اند و دعاء (و خواندن خدا) را به منزله لباس رویی خود گردانیده اند،(۹) خود را از دنیا بریده و جدا می سازند.

۵۷

یا أَباذَرٍ! حَرْثُ الْآخِرَهِ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ حَرْثُ الدُّنْیا الْمالُ وَ الْبُنُونَ.(۱۰)

ای ابوذر! کِشت و زرع آخرت، کردار شایسته (عمل صالح) است و کِشت و زراعت دنیا، مال و فرزندان است.

۵۸

یا أَباذَرٍ! إِنَّ رَبِّی أَخْبَرَنِی فَقالَ: وَ عِزَّتِی وَ جَلالِی ما أَدْرَکَ الْعابِدُونَ دَرَکَ الْبُکآءِ عِنْدِی وَ إِنِّی لَاَبْنِی لَهُمْ فِی الرَّفِیقِ الْاَعْلی قَصْراً لایشْرِکُهُمْ فِیهِ أَحَدٌ.

قالَ: قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ أَی الْمُؤْمِنِینَ أَکْیسُ؟

قالَ: اَکْثَرُهُمْ لِلْمَوْتِ ذِکْراً وَ أَحْسَنُهُمْ لَهُ إِسْتِعْداداً.

ای ابوذر! پروردگـار من به من چنین اعلام فرموده است: به عزّت و جلالم سوگنـد عبادتگران به قـدر آن پاداش که در نزد من برای گریه (از ترس خـدا) تعیین شده است دریافت نخواهند داشت و من برای گریه کننده در عالی ترین مراتب بهشت قصـری به پا خواهم داشت که دیگری در آن شریک نشود.

گفتم: یا رسول اللَّه! کدام یک از مؤمنان زیرک تر است؟

فرمود: آن کس که از همه بیشتر به یاد مرگ باشد و خود را بهتر از همه به استقبال آن آماده سازد.

۵۹

یا أَباذَرٍ! إِذا دَخَلَ النُّورُ الْقَلْبَ إِنْفَسَحَ الْقَلْبُ وَ اسْتَوْسَعَ.

قُلْتُ: فَما عَلامَهُ ذلِکَ؟ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یا رَسُولَ اللَّهِ!

قالَ: اَلْاِنابَهُ إِلی دارِ الْخُلُودِ وَ التَّجافِی عَنْ دارِ الْغُرُورِ وَ الْاِسْتِعْدادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِهِ.

ای ابوذر! هرگاه نور در دل تابید، دل گشاده و فراخ می گردد.

گفتم: یا رسول اللَّه! پدر و مادرم فدای تو باد، نشانه آن چیست؟

فرمود: علامت آن میل به سوی آخرت و کنار رفتن از فریبکاری دنیا و آمادگی به مرگ، پیش از رسیدن آن است.

۶۰

یا أَباذَرٍ! إِتَّقِ اللَّهَ وَ لاتَری النّاسَ أَنَّکَ تَخْشی اللَّهَ فَیکْرِمُوکَ وَ قَلْبُکَ فاجِرٌ.

ای ابوذر! از خدا بترس و مردم تو را نبینند که تو از خدای (بزرگ) می ترسی تا تو را به سبب آن گرامی دارند در صورتی که دل تو به فکر گناه است.

۶۱

یا أَباذَرِ! لِیکُنْ لَکَ فِی کُلِ ّشَی ءٍ نِیهٌ (صالِحَهٌ) فِی النَّوْمِ وَ الْاَکْلِ.

ای ابوذر! در هر چیز (حتی) در خوردن و خوابیدن، دارای نیت نیک باش.

۶۲

یا أَباذَرٍ! لِیعْظُمْ جَلالُ اللّهِ فِی صَدْرِکَ فَلا تَذْکُرُهُ کَما یذْکُرُهُ الْجاهِلُ عِنْدَ الْکَلْبِ اَللَّهُمَّ اخْزِهِ وَ عِنْدَ الْخِنْزِیرَ اَللَّهُمَّ اخْزِهِ.

ای ابوذر! بایـد جلالـ (و عظمت) پروردگـار عـالم در دل تو عظیم و بزرگ باشـد و او را سـبک یـاد نکنی، چنـان که مردمـان جاهل و نادان هنگامی که سگ و خوک را می بینند می گویند خدایا او را خوار کن.

۶۳

یا أَباذَرٍ! إِنَّ لِلّهِ مَلائِکَهً قِیاماً مِنْ خِیفَتِهِ ما رَفَعُوا رُؤُسَهُمْ حَتّی ینْفَخُ فِی الصُّورِ النَّفْخَهُ الْآخِرَهُ فَیقُولُونَ جَمِیعاً:

سُبْحانَکَ وَ بِحَمْدِکَ ما عَبَدْناکَ کَما ینْبَغِی لَکَ أَنْ تُعْبَدَ.

وَلَوْ کانَ لِرَجُلٍ عَمَلُ سَبْعِینَ نَبیاً لَاسْتَقَلَّ عَمَلَهُ مِنْ شِدَّهِ ما یری یوْمَئِذٍ وَ لَوْ أَنَّ دَلْواً صُبَّ مِنْ غِسْلِینِ فِی مَطْلَعِ الشَّمْسِ لَغَلَتْ مِنْهُ جَماجِمُ مَنْ فِی مَغْرِبِها وَ لَوْ زَفَرَتْ جَهَنَّمُ زَفْرَهً لَمْ یبْقَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ وَ لا نَبِی مُرْسَلٌ إِلَّا خَرَّجاثِیاً لِرُکْبَتَیهِ یقُولُ: نَفْسِی نَفْسِی حَتّی ینْسی إِبْراهِیمُ اِسْحاقَ یقُولُ یا رَبِ أَنَا خَلِیلُکَ إِبْراهِیمُ فَلا تَنْسَنِی.

ای ابوذر! خـدا فرشـتگانی دارد که از ترس او همواره برپا ایسـتاده انـد، سـرهای خود را به زیر انداخته اند تا روز قیامت که در صور دمیده شود، آن گاه همگی می گویند:

منزّه و پاکی تو، و سپاس توراست، ما تو را آن گونه که سزاوار توست بندگی نکردیم.

و در آن روز اگر مردی دارای عمل هفتاد پیامبر باشد، آن را از شدت آنچه در آن روز می بیند کم می شمارد و اگر سطلی از چرک و ریم دوزخ در مشـرق زمین بریزنـد مغز سـر کسانی که در مغرب زمینند به جوش می آید و اگر جهنّم به خروش آید، هیچ ملک مقرّب و پیغمبر مرسلی نمی ماند مگر به زانو در می آید و می گویند: پروردگارا نجاتم

را می خواهم، نجاتم را، حتی ابراهیم علیه السلام اسحاق فرزند خود را از یاد می برد و می گوید پروردگارا من خلیل تو ابراهیم هستم، پس مرا فراموش منما.

۶۴

یا أَباذَرِ! لَوْ أَنَّ امْرَأَهً مِنْ نِسآءِ أَهْلِ الْجَنَّهِ اَطْلَعَتْ مِنْ سَمآءِ الدُّنْیا فِی لَیلَهٍ ظَلْمآءَ لَأَضآءَتْ لَهَا الْأَرْضُ أَفْضَلَ یضِیئُهَا الْقَمَرُ لَیلَهَ الْبَدْرِ وَ لَوَجِدَ رِیحَ نَشْرِها جَمِیعُ أَهْلِ الْأَرْضِ وَلَوْ أَنَّ ثَوْباً مِنْ ثِیابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ نُشِرَ الْیوْمَ فِی الدُّنْیا لَصَعِقَ مَنْ ینْظُرُ إِلَیهِ وَ ما حَمَلَتْهُ أَبْصارُهُمْ.

ای ابوذر! اگر زنی از زنان اهل بهشت از آسمان دنیا سر خویش را در میان شب تاری نمایان سازد، زمین از تابش آن بیشتر از تابش ماه شب چهارده روشن گردد و عطری که از (پریشان کردن زلف) او بلند شود به مشام تمامی اهل زمین برسد و اگر یکی از لباس های اهل بهشت، امروز در دنیا گشوده شود هرکس در آن بنگرد از هوش برود و دیدگان مردم تاب دیدن آن را نیاورد.

۶۵

یا أَباذَرِ! إِخْفَضْ صَوْتَکَ عِنْدَ الْجَنائِزِ وَ عِنْدَ الْقِتالِ وَ عِنْدَ الْقُرْآنِ.

ای ابوذر! آواز (صدای) خود را نزد جنازه ها و هنگام جنگ (با دشمنان دین) و هنگام تلاوت قرآن آهسته ساز.

۶۶

یا أَباذَرِ! إِذا تَبِعْتَ جَنازَهً فَلْیکُنْ عَمَلُکَ فِیهَا التَّفَکُّرَ وَ الْخُشُوعَ وَ اعْلَمْ أَنَّکَ لاحِقٌ بِهِ.

ای ابوذر! هنگامی که دنبال جنازه می روی پس باید کار تو در آن حال، تفکّر و خشوع باشد و بدان که تو نیز به او ملحق خواهی شد.

۶۷

یا أَباذَرِ! إِعْلَمْ أَنَّ لِکُلِّ شَیءٍ إِذا فَسَدَ فَالْمِلْحُ دَواؤُهُ وَ إِذا فَسَدَ الْمِلْحُ فَلَیسَ لَهُ دَوآءٌ وَ اعْلَمْ أَنَّ فِیکُمْ خُلْقَینِ الضِّحْکَ مِنْ غَیرِ عَجَبٍ وَ الْکَسَلَ مِنْ غَیرِ سَهَرٍ.

ای ابوذر! بدان که برای جلوگیری از فساد هرچیز، نمک دوای آن است، ولی هر گاه نمک فاسد گردد دوایی برای آن نیست، و بدان که در بین شما دو صفت (ناپسند است) یکی خنده کردن بدون تعجب و دیگری کسالت بدون بی خوابی کشیدن (در عبادت خداوند عالم) در آخر شب.

۶۸

یا أَباذَرٍ! رَکْعَتانِ مُقْتَصِدَتانِ فِی تَفَکّرٍ خَیرٌ مِنْ قِیامِ لَیلَهٍ وَ الْقَلْبُ ساهٍ.

ای ابوذر! دو رکعت نماز میانه (غیر طولانی که زیاد سبک هم نباشد) با توجّه و تفکّر انجام یابد بهتر از یک شب به عبادت ایستادن است در حالی که قلب از اندیشه عبادت غفلت داشته باشد.

۶۹

یا أَباذَرٍ! اَلْحَقُّ ثَقِیلٌ مُرٌّ وَ الْباطِلُ خَفِیفٌ حُلْوٌ وَ رُبَّ شَهْوَهِ ساعَهٍ تُورِثُ حُزْناً طَوِیلاً.

ای ابوذر! حقّ، سنگین و تلخ است، و باطل سبک و شیرین است و چه بسا هوسرانی یک ساعت (در دنیا) باعث حزن و غم طولانی (در آخرت) می گردد (و چه بسا در دنیا هم).

۷۰

یا أَباذَرٍ! لا یفْقَهُ الرَّجُلُ کُلَّ الْفِقْهِ حَتّی یری النَّاسَ فِی جَنْبِ اللَّهِ تَعالی اَمْثالَ الْاَباعِرِ ثُمَّ یرْجِعَ إِلی نَفْسِهِ فَیکُونُ هُوَ اَحْقَرَ حاقِرٍ لَها.

ای ابوذر! مرد، فقیه تمام فقیه نمی شود تا مردم را در جنب عظمت خدای تعالی به مانند شتران بی ادراک بیند، سپس به خود نگریسته و خود را کمتر از آنان بیابد.

۷۱

یا أَباذَرٍ! لا تُصِیبُ حَقِیقَهَ الْإِیمانِ حَتّی تَری النَّاسَ کُلَّهُمْ حَمْقی فِی دِینِهِمْ عُقَلاءَ فِی دُنْیاهُمْ.

ای ابوذر! تو به حقیقت ایمان نمی رسی تا همه مردم را در دین خود ابله و در دنیای خود عاقل ببینی.(۱۱)

۷۲

یا أَباذَرٍ! حاسِبْ نَفْسَکَ قَبْلَ أَنْ تُحاسَبَ فَهُوَ أَهْوَنُ لِحِسابِکَ غَداً وَ زِنْ نَفْسَکَ قَبْلَ أَنْ تُوْزَنَ وَ تَجَهَّزْ لِلْعَرْضِ الْاَکْبَرِ یوْمَ تُعْرَضُ لا تَخْفی عَلَی اللَّهِ مِنْکَ خافِیهٌ.

ای ابوذر! تو خود به حساب خودت پیش از آن که تو را به پای محاسبه آرند برس، تا فردا محاسبه بر تو آسان گردد و خویشتن را بسنج پیش از آن که تو را بسنجند و برای عرضه بزرگ به پیشگاه خدا روز رستاخیز آمادگی پیدا کن که هیچ چیز از تو بر خدا پنهان نمی ماند.

۷۳

یا أَباذَرٍ! اِسْتَحْی مِنَ اللَّهِ فَإِنّی وَ الَّذِی نَفْسِی بِیدِهِ لا اَزالُ حِینَ أَذْهَبُ إِلی الْغائِطِ مُتَقَنِّعاً بِثَوْبِی اَسْتَحْیی مِنَ الْمَلَکَینِ الَّذِینِ مَعِی.

ای ابوذر! از خدا حیا کن، به خدایی که جانم در کف اختیار اوست هر وقت برای تطهیر می روم سر و روی خودم را با لباسم می پوشانم و از آن دو فرشته که با من همراهند حیا می کنم.

۷۴

یا أَباذَرٍ! أَتُحِبُّ أَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّهَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ فِداکَ أَبِی وَ أُمِّی.

قالَ: فَاقْصِر مِنَ الْاَمَلِ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نَصْبَ عَینَیکَ وَ اسْتَحْی مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَیآءِ.

قالَ: قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ! کُلُّنا نَسْتَحْیی مِنَ اللَّهِ.

قالَ: لَیسَ ذَلِکَ الْحَیآءُ وَلکِنَّ الْحَیآءَ مِنَ اللَّهِ أَنْ لاتَنْسَی الْمَقابِرَ وَ الْبِلی وَ تَحفَظُ الْجَوْفَ وَ ما وَعی وَ الرَّأْسَ وَ ما حَوی وَ مَنْ اَرادَ کَرامَهَ الْآخِرَهِ فَلْیدَعْ زِینَهَ الدُّنْیا فَإِذا کُنْتَ کَذلِکَ أَصَبْتَ وِلایهَ اللَّهِ.

ای ابوذر! آیا دوست داری که به بهشت درآیی؟

گفتم: آری، پدر و مادرم به فدایت.

فرمود: پس آرزو را کوتاه کن و مرگ را نصب العین خویش گردان و از خدا چنان که لازم است حیا کن.

گفتم: یا رسول اللّٰه! همه ما از خدا حیا می کنیم؟

فرمود: حیا از خدا چنان نیست (که به نظر می رسد) لکن حیا از خدا آن است که گورها و پوسیدن در آن را فراموش نکنی و جوف (یعنی شکم و عورت) و هرچه در آن است و سر و آنچه در آن است (یعنی اعضاء داخلی و چشم و گوش و زبان را) کنترل کنی (از حرام و گناه نگه داری)، هرکس کرامت و بزرگی آخرت را بخواهد باید زینت دنیا را ترک نماید، پس آن گاه که چنین باشی (یا بشوی) به مقام دوستی

خدا رسیده ای.

۷۵

یا أَباذَرٍ! یکْفِی مِنَ الدُّعآءِ مَعَ الْبِرِّ ما یکْفِی الطَّعامَ مِنَ الْمِلْحِ.

ای ابوذر! کافی است از دعا با کردارهای شایسته، آن مقدار که از نمک برای طعام کافی است.

۷۶

یا أَباذَرٍ! مَثَلُ الَّذِی یدْعُو بِغَیرِ عَمَلٍ کَمَثَلِ الَّذِی یرْمِی بَغَیرِ وَتَرٍ.

ای ابوذر! مثل کسی که بدون عمل (شایسته) دعا می کند، مانند کسی است که بدون زه کمان را برای تیراندازی می کشد.

۷۷

یا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ یصْلِحُ بَصَلاحِ الْعَبْدِ وُلْدَهُ وَ وُلْدَ وُلْدِهِ وَ یحْفَظُهُ فِی دُوَیرَتِهِ وَ الدُّورَ حَوْلَهُ مادامَ فِیهِمْ.

ای ابوذر! خداوند به وسیله صالح بودن شخصی اصلاح می کند فرزندان و فرزندان فرزندان او را و حرمت او را درباره خانه و خانه های مجاورش مادامی که در میان آنان است نگهداری می کند.

۷۸

یا أَباذَرٍ! إِنَّ رَبَّکَ عَزَّوَجَلَّ یباهِی الْمَلائِکَهَ بِثَلاثَهِ نَفَرٍ؛ رَجُلٌ فِی أَرْضٍ قَفْرٍ فَیؤَذِّنُ ثُمَّ یقِیمُ ثُمَّ یصَلِّی، فَیقُولُ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ أُنْظُرُوا إِلی عَبْدِی یصَلِّی وَ لا یراهُ أَحَدٌ غَیرِی فَینْزِلُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ یصَلُّونَ وَ رآءَهُ وَ یسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِلَی الْغَدِ مِنْ ذلِکَ الْیوْم وَ رَجُلٌ قامَ مِنَ اللَّیلِ فَصَلّی وَحْدَهُ فَسَجَدَ وَ نامَ وَ هُوَ ساجِدٌ، فَیقُولُ تَعالی أُنْظُرُوا إِلی عَبْدِی رُوحُهُ عِنْدِی وَ جَسَدُهُ ساجِدٌ وَ رَجُلٌ فِی زَحْفٍ یفِرُّ اَصْحابُهُ وَ یثْبُتُ هُوَ یقاتِلُ حَتّی یقْتَلَ.

ای ابوذر! پرودگار عزیز و جلیلِ تو با سه شخص بر فرشتگان مباهات می کند:

۱ – مردی که در میان بیابان اذان و بعد اقامه بگوید و بعد نماز به پا دارد. پس پروردگارت به فرشتگان می فرماید: به بنده ام بنگرید، نماز می خواند در حالی که کسی غیر از من او را نمی بیند. آن گاه هفتاد هزار ملک نازل می گردند و دنبال او نماز می گزارند و تا فردای آن روز برای او (از خدا) آمرزش می خواهند.

۲ – مردی که پاسی از شب از جا بلند شود و به تنهایی نماز بخواند پس سجده کند و در حال سجده به خواب رود، خدای تعالی می فرماید: بنگرید به بنده من که روح او پیش من و تنش در سجده است.

۳ – مردی که در میدان جهاد باشد، همراهانش

فرار کنند و او ثابت قدم به جهاد پردازد تا کشته شود.

۷۹

یـا أَبـاذَرٍ! مـا مِنْ رَجُـلٍ يجْعَـلُ جَبْهَتَهُ فِی بُقْعَهٍ مِنْ بِقـاعِ الْاَرْضِ إِلاَّ شَـهِدَتْ لَهُ بِها يوْمَ الْقِيامَهِ وَ ما مِنْ مَنْزِلٍ ينْزِلُهُ قَوْمٌ إِلاَّ وَ اَصْـبَحَ ذالِكَ الْمَنْزِلُ يصَلِّی عَلَيهِمْ أَوْ يلْعَنُهُمْ.

ای ابـوذر! هیـچ مردی پیشـانی خود را به نقطه ای از نقـاط زمین نمی گـذارد مگر این که آن نقطه زمین در روز قیـامت بر آن (سـجده به نفع او) شـهادت دهد و منزلی نیست که گروهی در آن فرود آیند مگر سـحرگاهان همان منزل بر آنان صـلوات می فرستد یا لعنشان می کند.

۸۰

یـا أَباذَرٍ! ما مِنْ صَـباحٍ وَ لا رَواحٍ إِلاَّ وَ بِقاعُ الْأَرْضِ ينادِی بَعْضُـها بَعْضاً: يا جارَه هَلْ مَرَّ بِكِ ذاكِرُ اللَّهِ تَعالی أَوْ عَبْـدٌ وَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَيكِ ساجِداً لِلَّهِ ؟ فَمِن قائِلَهٍ لا وَ مِنْ قائِلَهٍ نَعَمْ، فَإِذا قالَتْ نَعَمْ اِهْتَزَّتْ وَ ابْتَهَجَتْ وَ تَری أَنَّ لَها الْفَضْلَ عَلی جارَتِها.

ای ابوذر! هیـچ صـبح و شام نیست مگر نقاط زمین همدیگر را ندا می کنند: ای همسایه من آیا بر تو گذشت کسـی که ذکر و یاد خدای متعال را نماید، یا بنده ای که پیشانی خویش برای سجده برای خدا بر تو نهد؟ برخی گویند آری و برخی گویند نه، هرکدام که آری بگوید بر خود می بالد و شاد می گردد و خود را بر دیگری برتر می بیند.

۸۱

يا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ لَمَّا خَلَقَ الْأَرْضَ وَ خَلَقَ ما فِيها مِنَ الشَّجَرِ لَمْ تَكُنْ فِی الْاَرْضِ شَجَرَهٌ يأْتِيها بَنُو آدَمَ إِلاَّ اَصابُوا مِنْها مَنْفَعَهً فَلَمْ تَزَلِ الْأَرْضُ وَ الشَّجَرُ كَذلِكَ حَتّی تَكَلَّمَ فَجَرَهُ بَنِی ادَمَ بِالْكَلِمَهِ الْعَظِيمَهِ قَوْلِهِمْ: «اِتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً» فَلَمَّا قالُوها اِقْشَـعَرَّتِ الْاَرْضُ وَ ذَهَبَتْ مَنْفَعَهُ الْاَشْجارِ.

ای ابوذر! آن گاه که خدا - جل ثنائه - زمین و درختانی که در آن است را بیافرید به هر درختی که فرزندان آدم می رسـیدند منتفع می گشـتند و زمین و درختـان همین گونه بودنـد، تـا آن گاه که گناهکاران فرزنـدان آدم به آن کلمه (نادرست) بزرگ تکلم کردند و به خدا نسبت پدر و فرزندی دادند چون آن سخن بگفتند زمین بر خود بلرزید و نفع درختان از میان رفت.

۸۲

يا أَباذَرٍ! إِنَّ الاَرْضَ لَتَبْكِی عَلَی الْمُؤْمِنِ إِذا ماتَ اَرْبَعِينَ صَباحاً.

ای ابوذر! همانا که زمین، بر مؤمن تا چهل روز بعد از موت او می گرید.

۸۳

یا أَباذَرٍ! إذا كَانَ الْعَبْدُ فِی أَرْضٍ قَفْرٍ فَتَوَضَّأَ أَوْ تَیمَّمَ ثُمَّ اَذَّنَ وَ اَقامَ وَ صَلّی اَمَرَ للّهُ عَزَّوَجَلَّ الْمَلائِكَهَ فَصَفُّوا خَلْفَهُ صَفّاً لایری طَرَفاهُ یرْكَعُونَ بِرُكُوعِهِ وَ یسْجُدُونَ بِسُجُودِهِ وَ یؤَمِّنُونَ عَلی دُعائِهِ.

ای ابوذر! هرگاه بنده ای در بیابانی تنها باشد، پس وضو بسازد و یا تیمم كند (اگر آب نباشد) سپس اذان و اقامه بگوید و نماز بخواند، خدای عزیز و جلیل فرشتگان را امر كند پشت سر اوصفی تشكیل دهند كه دو طرف آن دیده نمی شود و به ركوع او ركوع و به سجودش سجده نمایند و به دعای او آمین گویند.

۸۴

یا أَباذَرٍ! مَنْ اَقامَ وَ لَمْ یؤَذِّن لَمْ یصَلِّ مَعَهُ إلاَّ مَلَكاهُ اللَّذانِ مَعَهُ.

ای ابوذر!هر كس برای نماز، اقامه بگوید و اذان نگوید، با او جز آن دو ملك كه با وی هستند نماز نمی خوانند.

۸۵

یا أَباذَرٍ! ما مِنْ شَابٍّ یدَعُ لِلَّهِ الدُّنْیا وَ لَهْوَها وَ اَهْرَمَ شَبابَهُ فِی طاعَهِ اللَّهِ إلاَّ اَعْطاهُ اللَّهُ اَجْرَ اِثْنَینِ وَ سَبْعِینَ صِدّیقاً.

ای ابوذر! هر جوانی كه برای خدا، دنیا و لهو آن را ترك نماید و جوانی خود را در اطاعت خدا به پیری رساند، خدا هم به او اجر و ثواب هفتاد و دو صدّیق عطا فرماید.

۸۶

یا أَباذَرٍ! الذَّاكِرُ فِی الْغافِلِینَ كَالْمُقاتِلِ فِی الْفارّینَ.

ای ابوذر! كسی كه در میان غافلان خدا را یاد كند مانند كسی می باشد كه در میان فراركنندگان، جهاد كند.

۸۷

یـا أَبـاذَرٍ! الْجَلِیسُ الصّالِحُ خَیرٌ مِنَ الْوَحْدَهِ وَ الْوَحْدَهُ خَیرٌ مِنَ جَلِیسِ السَّوءِ وَ اِمْلآءُ الْخَیرِ خَیرٌ مِنَ السُّكُوتِ وَ السُّكُوتُ خَیرٌ مِنَ اِمْلآءِ الشَّرِّ.

ای ابوذر! همنشین نیكو بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد است و بیان خیر بهتر از سكوت و سكوت بهتر از بیان و گفتار شر است.

۸۸

یا أَباذَرٍ! لا تُصاحِبْ إلاَّ مُؤْمِناً وَ لایأْكُلْ طَعامَكَ إِلاَّ تَقِی وَ لا تَأْكُلُ طَعامَ الْفاسِقِینَ. یا اَباذَرٍ! اَطْعِمْ طَعامَكَ مَنْ تُحِبُّهُ فِی اللَّهِ وَ كُلْ طَعامَ مَنْ یحِبُّكَ فِی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

ای ابوذر! همنشینی مکن جز با افراد با ایمان و طعام تو را جز شخص پرهیزکار نخورد، تو نیز طعام افراد فاسق را نخور.

ای ابوذر! به کسی طعام خود را بخوران که در راه خدا او را دوست می داری، تو نیز طعام کسی را بخور که تو را در راه خدای عزوجّل دوست می دارد.

۸۹

یا أَباذَرٍ! اِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ لِسانِ كُلِ ّقائِلٍ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ اِمْرُءٌ وَ لْيَعْلَمْ ما يقُولُ.

ای ابوذر! خداوند عزّوجلّ نزد زبان هر گوینده ای است، پس باید سخن گو از خدا بترسد وباید بداند چه می گوید.

۹۰

یا أَباذَرٍ! أُتْرُكْ فُضُولَ الْكَلامِ وَ حَسْبُكَ مِنَ الْكَلامِ ما تَبْلُغُ بِهِ حاجَتَكَ.

ای ابوذر! از گفتن سخنان زائد و لغو خودداری کن، تو را از سخن همان بس که رفع احتیاجت را بنماید.

۹۱

یا أَباذَرٍ! كَفى بِالْمَرْءِ كِذْباً أَنْ يحَدِّثَ بِكُلِ ّما يسْمَعُ.

ای ابوذر! در دروغگو بودن کافی است که شخص هرچه می شنود نقل نماید.

۹۲

یا أَباذَرٍ! ما مِنْ شَی ءٍ اَحَقُّ بِطُولِ السِّجْنِ مِنَ اللِّسانِ.

ای ابوذر! برای زندان طولانی هیچ چیز سزاوارتر از زبان نیست.

۹۳

یا أَباذَرٍ! مِنْ اِجْلالِ اللَّهِ تَعالى اِكْرامُ ذِى الشَّيبَةِ الْمُسْلِمِ وَ اِكْرامُ حَمَلَهِ الْقُرْآنِ الْعامِلِينَ وَ اِكْرامُ السُّلْطانِ الْمُقْسِطِ.

ای ابوذر! از (مصادیق) بزرگداشت و تعظیم خدای تبارک وتعالی: احترام به پیرمرد ریش سفیدِ مسلمان و احترام به حاملان قرآن که بر طبق دستورات آن رفتار می نمایند و احترام به سلطان دادگر است.

۹۴

یا أَباذَرٍ! ما عَمِلَ مَنْ لَمْ يحْفَظْ لِسانَهُ، یا اَباذَرْ لاتَكُنْ عَياباً وَ لا مَدَّاحاً وَ لا طَعَّاناً وَ لا مُمارِياً.

ای ابوذر! کسی که زبانش را (از بدی) نگهداری نکند، عمل (خیری و خوبی) برای او نیست. ای ابوذر! عیب جو و ثناخوان و طعنه زن و ستیزه جو مباش.

۹۵

یا أَباذَرٍ! لایزالُ الْعَبْدُ یزْدادُ مِنَ اللَّهِ بُعْداً ما سآءَ خُلْقُهُ.

ای ابوذر! مادامی که بنده ای سوء خلق دارد (بداخلاقی می کند) از خدا دورتر می شود.

۹۶

یا أَباذَرٍ! الْکَلِمَهُ الطَیبَهُ صَدَقَهٌ وَ کُلُّ خُطْوَهٍ تَخْطُوها إِلَی الصَّلواهِ صَدَقَهٌ.

ای ابوذر! سخن پاک (از گناه و بدی) صدقه است و هر قدم که به سوی نماز (جماعت و مسجد) بر می داری صدقه است (برای خداست و ثواب صدقه دارد.)

۹۷

یا أَباذَرٍ! مَنْ اَجابَ داعِی اللَّهِ وَ اَحْسنَ عِمارَهَ مَساجِدِ اللَّهِ کانَ ثَوابُهُ مِنَ اللَّهِ، الْجَنَّهَ.

فَقُلْتُ: بِاَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یا رَسُولَ اللَّهِ کَیفَ نَعْمُرُ مَساجِدَ اللَّهِ؟

قالَ: لا ـ تُرْفَعُ فِیها الْاَصْواتُ وَ لایخاضُ فِیها بِالْباطِلِ وَ لایشْتَری فِیها وَ لا یبایعُ وَ اتْرُکِ اللَّغْوَ ما دُمْتَ فِیها فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلا تَلُومَنَّ یوْمَ الْقِیامَهِ إِلاَّ نَفْسَکَ.

ای ابوذر! هرکس دعوت کننده به سوی خدا (کسی که اذان و یا اقامه می گوید) را لبیک گوید و دعوتش را اجابت کند و آباد ساختن مسجدهای خدا را به نیکی انجام دهد پاداش او از ناحیه خدا بهشت است.

گفتم: یا رسول اللَّه! پدر و مادرم فدای تو باد چگونه مسجدهای خدا را آباد سازیم؟

فرمود: (آبادانی مسجد به آن است که) صداها (به گفت و گو) در آن ها بلند نشود و در آن ها از کارهای باطل و از بیهوده کاری خودداری شود و خرید و فروش در آنجا انجام نگیرد و از لغو، تا در مسجد هستی بپرهیز و إلّا در روز رستاخیز جز خودت را سرزنش منما.

۹۸

یا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَعالی یعْطِیکَ ما دُمْتَ جالِساً فِی الْمَسْجِدِ بِکُلِ ّنَفَسٍ تَنَفَّسْتَ فِیهِ دَرَجَهً فِی الْجَنَّهِ وَ تُصَلِّی عَلَیکَ الْمَلائِکَهُ وَ تُکْتَبُ لَکَ بِکُلِ ّنَفَسٍ تَنَفَّسْتَ فِیهِ عَشْرُ حَسَناتٍ وَ تُمْحی عَنْکَ عَشْرُ سَیئاتٍ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی تا تو در مسجد هستی به تو به شماره نفس هایت، درجه در بهشت عطا خواهد فرمود و فرشتگان بر تو صلوات می فرستند و به هر نفس تو در مسجد ده حسنه برایت نوشته می شود و ده سیئه از تو محو می گردد.

۹۹

یا أَباذَر! اَتَعْلَمُ فِی أَیِّ شَیءٍ أُنزِلَتْ هذِهِ الآیهُ: اِصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوااللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ؟(۱۲)

قُلْتُ: لا، فِداکَ اَبِی وَ اُمِّی.

قالَ: فِی اِنْتِظارِ الصَّلوهِ خَلْفَ الْصَلوه.

یا اَباذَر: اِسْباغُ الْوُضُوءِ فِی الْمَکارِهِ مِنَ الْکَفَّاراتِ وَ کَثْرَهُ الْاِخْتِلافِ إِلَی الْمَساجِدِ فَذالِکُمُ الرِّباطُ.

ای ابوذر! آیا می دانی که این آیه «اصبروا و صابروا و رابطوا» در چه مورد نازل شده است.

گفتم: نه، پدر و مادرم فدای تو باد.

فرمود: درباره انتظار بردن (اوّل وقت) نماز است پس از نماز (دیگر).

ای ابوذر! وضو را به طور کامل ساختن در ناگواری ها (مانند سردی هوا) از کفّارات گناهان است و بسیار به مسجدها رفتن، همین ها رباط است (که در آیه ای که گفته شده به آن امر شده است.)

۱۰۰

یا أَباذَر! یقُولُ اللَّهُ تَبارَکَ وَ تَعالی إِنَّ اَحَبَّ الْعِبادِ إِلَّی الْمُتَحابُّوْنَ بِجَلالِی(۱۳) (مِنْ اَجْلِی) الْمُتَعَلَّقَهُ قُلُوبُهُمْ بِالْمَساجِدِ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْاَسْحارِ أُولئِکَ إِذا اَرَدْتُ بِاَهْلِ الْاَرْضِ عُقُوْبَهً ذَکرْتُهُمْ فَصَرَفْتُ الْعُقُوبَهَ عَنْهُمْ.

ای ابوذر! خدای بزرگ و بلند مرتبه می فرماید: محبوب ترین بندگان پیش من کسانی هستند که (با حلال من) یا از جهت من (به خاطر من) با یکدیگر محبت و دوستی می نمایند و دل های آنان با مساجد پیوند دارد و در سحرگاهان به استغفار می پردازند، آنان کسانی هستند که اگر بخواهم به اهل زمین عقوبتی متوجّه سازم به خاطر آنان عقوبت را از ایشان باز می دارم.

۱۰۱

یا أَباذَر! کُلُّ جُلُوسٍ فِی الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلاثَهً: قِرآءهُ مُصَلٍّ، اَوْ ذِکْرُ اللَّهِ، أَوْ سائِلٌ عَنْ عِلْمٍ.

ای ابوذر! هرگونه نشستن در مسجد لغو و بی فایده است؛ مگر در سه حال: یا در حال نماز مشغول قرائت قرآن باشد، یا به یاد خدا ذکر بگوید، یا به آموختن دانش (دین) اشتغال ورزد و بپرسد.

۱۰۲

یـا أَبـاذَرٍ! کُنْ بِالْعَمَـلِ بِـالتَّقْوی اَشَـدَّ اِهْتِماماً مِنْکَ بِالْعَمَلِ فَإِنَّهُ لایقِلُّ عَمَلٌ بِالتَّقْوی وَ کَیفَ یقِلُّ عَمَلٌ یتَقَبَّلُ؟! یقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «إِنَّما یتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِینَ».

ای ابوذر! برای مقرون گشتن عمل به تقوی، بیشتر از اصل آن عمل اهتمام کن؛ زیرا عمل با تقوی کم نیست، چگونه عملی که مورد قبول درگـاه خـدا باشـد کم شـمرده می شود! خـدای عزوجـل می فرمایـد: «عمـل را پروردگـار از پرهیزکـاران فقط، می پذیرد.»

۱۰۳

یا أَباذَرٍ! لایکُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِینَ حَتّی یحاسِبَ نَفْسَهُ اَشَدَّ مِنْ مُحاسَـبَهِ الشَّرِیکِ شَـرِیکَهُ، فَیعْلَمَ مِنْ اَینَ مَطْعَمُهُ وَ مِنْ اَینَ مَشْرَبُهُ وَ مِنْ اَینَ مَلْبَسُهُ اَمِنْ حِلٍ ّ ذلِکَ اَمْ مِنْ حَرامٍ؟ یا اَباذَرٍ! مَنْ لَمْ یبالِ مِنْ اَینَ اکْتَسَبَ الْمالَ لَمْ یبالِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ اَینَ اَدْخَلَهُ النّارَ.

ای ابوذر! مرد از پرهیزکاران به شـمار نمی آید تا خود را، سـخت تر از محاسـبه شـخص درباره شریک خود مورد محاسبه قرار دهد. پس باید بداند خوراکش و آنچه می نوشد و آنچه می پوشد از چه راهی تهیه شده است، از حلال است یا از حرام.

ای ابوذر! هر آن کس که ملاحظه نمی کنـد که کسب مال او از کجاست (و از حرام پروا نداشـته باشـد)، خـدا نیز درباره وی ملاحظه نمی نماید که از کجا او را به آتش وارد سازد.

۱۰۴

یا أَباذَرٍ! مَنْ سَرَّهُ أَنْ یکُونَ اَکْرَمَ النّاسِ فَلْیتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.

ای ابوذر! هرکس دوست می دارد گرامی ترین مردم (در نزد خـدا) باشـد پس بایـد از خـدای عزوجـل بترسـد. (و تقوای او را رعایت کند).

۱۰۵

یا أَباذَرٍ! إِنَّ اَحَبَّکُمْ إِلَی اللَّهِ جَلَّ ثَناؤُهُ اَکْثَرُکُمْ ذِکْراً لَهُ، وَاَکْرَمَکُمْ عِنْدَاللَّهِ اَتْقاکُمْ لَهُ وَ اَنْجاکُمْ مِنْ عَذابِ اللَّهِ اَشَدُّکُمْ لَهُ خَوْفاً.

ای ابوذر! محبوب ترین شـما پیش خـدای جل ثنائه کسـی است که بیشتر به یاد او باشـد و عزیز و گرامی ترین شـما پیش خـدا پرهیزکارترین شماست برای او، و نجات یابنده ترین شما از عذاب خدا کسی است که بیشتر از او بترسد.

۱۰۶

یا أَباذَرٍ! إِنَّ الْمُتَّقِینَ الَّذِینَ یتَّقُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الشَّی ءِ الَّذِی لایتَّقی مِنْهُ، خَوْفاً مِنَ الدُّخُولِ فِی الشُّبْهَهِ.

ای ابوذر! پرهیزکاران کسانی هستند که از چیزی که از آن پرهیز لازم نیست (و حلال است) اجتناب می کنند، از ترس آن که مبادا در شبهه داخل شوند.

۱۰۷

یا أَباذَرٍ! مَنْ اَطاعَ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ ذَكَرَ اللّٰهَ وَ إِنْ قَلَّتْ صَلاتُهُ وَ صِيامُهُ وَ تِلاوَتُهُ لِلْقُرآنِ.

ای ابوذر! هرکس که در اطاعت خدای عزّوجلّ باشد ذکر خدا کرده (حقیقتاً خدا را یاد کرده است) گرچه نماز و روز (مستحبی)اش اندک باشد و کمتر قرآن بخواند.

۱۰۸

یا أَباذَرٍ! اَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَ رَأْسُهُ الطّاعَةُ.

ای ابوذر! ریشه دین پرهیزکاری از حرام و گناه است و سَرِ دین طاعت خداست.

۱۰۹

یا أَباذَرٍ! كُنْ وَرِعاً تَكُنْ اَعْبَدَالنَّاسِ وَ خَيرُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ.

ای ابوذر! پرهیزکار و با ورع باش تا عابدترین مردم باشی و بهترین بخش دین شما پرهیزکاری و با ورع بودن است.

۱۱۰

یا أَباذَرٍ! فَضْلُ الْعِلْمِ خَيرٌ مِنْ فَضْلِ الْعِبادَةِ وَ اعْلَمْ اَنَّكُمْ لَوْ صَلَّيتُمْ حَتّى تَكُونُوا كَالْحَنايا وَ صُمْتُمْ حَتّى تَكُونُوا كَالْاَوْتارِ ما يَنْفَعُكُمْ ذالِكَ إِلاَّ بِوَرَعٍ.

ای ابوذر! فضیلت علم از فضیلت عبادت بهتر است و بدان که شماها اگر آن قدر به نماز بایستید که مانند کمان خمیده شوید و آن قدر روزه بگیرد که مانند زه کمان لاغر شوید به شما سودی نمی رسد جز با پرهیزکاری و ورع.

۱۱۱

یا أَباذَرٍ! إِنَّ اَهْلَ الْوَرَعِ وَ الزُّهْدِ فِی الدُّنْيا هُمْ اَوْلِيآءُ اللّٰهِ حَقّاً.

ای ابوذر! آنان که اهل پرهیزکاری (ورع) و زهد در دنیا هستند حقاً اولیاء خدا هستند.

۱۱۲

یا أَباذَرٍ! مَنْ لَمْ يَأْتِ يَوْمَ الْقِيامَةِ بِثَلاثٍ فَقَدْ خَسِرَ.

قُلْتُ: وَ مَا الثَّلاثُ؟ فِداکَ اَبی وَ أَمِّی.

قالَ: وَرَعٌ یحْجُزُهُ عَمّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَیهِ وَ حِلْمٌ یرُدُّ بِهِ جَهْلَ السُّفَهآءِ وَ خُلْقٌ یداری بِهِ النَّاسَ.

ای ابوذر! هر کس در روز قیامت سه چیز همراه نداشته باشد زیانکار است.

گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد، آن سه چیز چیست؟

فرمود: ورعی که او را از محرمات خدای عزوجل باز دارد، و حلم (بردباری) که به آن با نادانی (بی خردان) سفیهان مقابله نماید، و خلق (نیکو) که با آن با مردم مدارا نماید.

۱۱۳

یا أَباذَر! إِنْ سَرَّکَ أَنْ تَکُونَ اَقْوَی النَّاسِ فَتَوکَّلْ عَلَی اللَّهِ وَ إِنْ سَرَّکَ أَنْ تَکُونَ اَکْرَمَ النَّاس فَاتَّقِ اللَّهَ وَ اِنْ سَرَّکَ أَنْ تَکُونَ اَغْنَی النَّاسِ فَکُنْ بِما فِی یدِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْثَقَ مِنْکَ بِما فِی یدَیکَ.

ای ابوذر! اگر خواهی نیرومندترین مردم باشی پس بر خدا توکّل کن و اگر می خواهی (در نزد خدا) عزیزترین مردم باشی پس از خدا بترس و از نافرمانی اش بپرهیز و اگر می خواهی بی نیازترین مردم باشی پس به آنچه پیش خدای عزوجلّ است مطمئن تر باش نسبت به آنچه در دو دست خودت می باشد.

۱۱۴

یا أَباذَر! لَوْ أَنَّ النَّاسَ کُلَّهُمْ اَخَذُوا بِهذِهِ الآیهِ لَکَفَتْهُمْ: «وَمَنْ یتَّقِ اللَّهَ یجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ یرْزُقْهُ مِنْ حَیثُ لایحْتَسِبْ وَ مَنْ یتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ اَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِکُلِّ شَیءٍ قَدْراً».(۱۴)

ای ابوذر! اگر تمام مردم به این آیه رفتار و عمل می کردند همه را کفایت می کرد: «ومن یتق اللَّه یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لایحتسب...» یعنی هرکس از معصیت خدا بپرهیزد خدا برای او گشایشی قرار می دهد و از راهی که گمان ندارد به او روزی می بخشد و هرکس بر خدا توکّل کند (و عاقبت کارهای خود را به او واگذار کند) از جهت کفایت مهمّات او را بس خواهد بود، به درستی که خدا امر خود را به وجه کامل به انجام می رساند، محققاً خدا برای هر چیز (بر طبق مصلحت) اندازه و قدری معین فرموده است.»

۱۱۵

یا أَباذَر! یقُولُ اللَّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ: وَ عِزَّتی وَ جَلالِی لا یؤْثِرُ عَبْدِی هَوای عَلی هَواهُ إِلاَّ جَعَلْتُ غِناهُ فِی نَفْسِهِ وَ هُمُومَهُ فِی اخِرَتِهِ وَ ضَمَّنْتُ السَّمواتِ وَ الْاَرْضَ رِزْقَهُ وَ کَفَفْتُ عَلَیهِ ضَیعَتَهُ وَ کُنْتُ لَهُ مِنْ وَرآءِ تِجارَهِ کُلِّ تاجِرٍ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی می فرماید: به عزّت و جلالم سوگند، بنده من خواسته مرا به خواسته خود مقدّم نمی دارد

مگر این که من او را در مکنون جانش بی نیاز می سازم (بی نیازی اش را در باطنش قرار می دهم) و چنان می کنم که اندیشه ها و همّ او مصروف امور اخروی او گردد و آسمان ها و زمین را ضامن روزی او می گردانم و درآمد و حرفه او را نگهداری می کنم و من برای او خواهم بود فراتر و برتر از

تجارت هر بازرگانی.

۱۱۶

یا أَباذَرٍ! لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ کَما یفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَاَدْرَکَهُ رِزْقُهُ کَما یدْرِکُهُ الْمَوْتُ.

ای ابوذر! اگر فرزند آدم از روزی خود بگریزد، همان طوری که از مرگ می گریزد، روزی او به وی خواهد رسید چنان که مرگ او را در می یابد.

۱۱۷

یا أَباذَرٍ! اَلا اُعَلِّمُکَ کَلِماتٍ ینْفَعُکَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِن؟

قُلْتُ: بَلی یا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وآله.

قالَ: اِحْفَظِ اللَّهَ یحْفَظْکَ، اِحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ اَمامَکَ، تَعْرَفْ إِلَی اللَّهِ فِی الرَّخآءِ یعْرِفْکَ فِی الشِّدَّهِ وَ إِذا سَأَلْتَ فَاسْاَلِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ إِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، فَقَدْ جَری الْقَلَمُ بِما هُوَ کائِنٌ إِلی یوْمِ الْقِیامَهِ، فَلَوْ أَنَّ الْخَلْقَ کُلَّهُمْ جَهَدُوا أَنْ ینْفَعُوکَ بِشَی ءٍ لَمْ یکْتَبْ لَکَ، ما قَدَرُوا عَلَیهِ وَ لَوْ جَهِدُوا أَنْ یضِرُّوکَ بِشَی ءٍ لَمْ یکْتُبْهُ اللَّهُ عَلَیکَ، ما قَدَرُوا عَلَیهِ، فَاِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَعْمَلَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالرِّضا وَ الْیقِینِ فَافْعَلْ وَ إِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِی الصَّبْرِ عَلی ما تَکْرَهُ خَیراً کَثِیراً وَ إِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ الْفَرَجَ مَعَ الْکَرْبِ وَ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یسْراً.

ای ابوذر! آیا نیاموزم به تو سخنانی که خدای عزوجل تو را بدان سود بخشد؟

عرض کردم: بلی یا رسول اللَّه صلی الله علیه وآله.

فرمود: (حرمت) خدا را (در زندگی) نگهدار تا تو را حفظ کرده، (حرمت و عظمت) خدا را نگهدار تا او را پیش روی خود یابی، خویشتن را در حال فراخی با خدا آشنا ساز تا تو را در حال تنگدستی و شدّت بشناسد، هرگاه خواستی سؤال کنی، پس از خدای عزّوجلّ سؤال بکن و هرگاه خواستی از کسی یاری جویی از خدا یاری جوی، پس به تحقیق که قلم بر آنچه تا روز قیامت خواهد شد

جاری شده است، در نتیجه اگر تمام مردم بکوشند که سودی به تو برسانند که بر تو نوشته نشده است بر آن توانا نخواهند بود و همین طور اگر تمام مردم بکوشند که ضرری به تو برسانند که خدا بر تو ننوشته است بر آن توانا نخواهند بود، پس اگر توانستی که برای خدا کاری با رضا و یقین بکنی، بکن و اگر نتوانی پس صبر داشته باش؛ زیرا که بر صبر و شکیبایی در تحمل آنچه از آن کراهت داری خیر فراوان مترتّب است و همانا پیروزی توأم با شکیبایی است و فرج و گشایش توأم با غم و اندوه است و به درستی که با هر دشواری ای آسانی توأم است.

۱۱۸

یا أَباذَرٍ! اِسْتَغْنِ بِغِنَی اللَّهِ یغْنِکَ اللَّهُ.

فَقُلْتُ: وَ ما هُوَ یا رَسُولَ اللَّهِ؟

قالَ: غَدآءُ یوْمٍ وَ عِشآءُ لَیلَهٍ، فَمَنْ قَنَعَ بَما رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ اَغْنَی النّاسِ.

ای ابوذر! خود را به آنچه خدا تو را به آن غنی ساخته غنی دان (و خودت را محتاج دیگران مگردان) تا خدا تو را بی نیاز گرداند.

گفتم: چیست آن یا رسول اللَّه صلی الله علیه وآله؟

فرمود: غذای صبحانه یک روز و شام یک شب، پس هرکس به آنچه خدا به او روزی عطا فرموده قناعت ورزد (راضی باشد و اظهار احتیاج نزد مردم نکند) او غنی ترین مردم است.

۱۱۹

یا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ یقُولُ: إِنّی لَسْتُ کَلامُ الْحَکِیمِ اَتَقَبَّلُ، وَلکِنْ هَمَّهُ وَ هَواهُ، فَإِنْ کانَ هَمُّهُ وَ هَواهُ فِیما اُحِبُّ وَ اَرْضی جَعَلْتُ صُمْتَهُ حَمْداً لِی وَ ذِکْراً (وَ وِقاراً) وَ إِنْ لَمْ یتَکَلَّمْ.

ای ابوذر! خدای عزوجل می فرماید: سخن دانشمند حکیم را که بر زبان می راند (و در دلش غیر آن است) نمی پذیرم بلکه آن را می پذیرم که در دل دارد و آن مقصود و هدف اوست، اگر اراده و قصد او مصروف آنچه می خواهم و بدان رضایت دارم گردد، سکوت او را ستایش خود و ذکر (و وقار) گردانیده و به جای حمد و ثنا می پذیرم اگر چه سخن نگوید.

۱۲۰

یا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی لاینْظُرُ إِلی صُوَرِکُمْ وَ لا إِلی اَمْوالِکُمْ وَ (اَقْوالِکُمْ) وَلکِنْ ینْظُرُ إِلی قُلُوبِکُمْ وَ اَعْمالِکُمْ.

یا أَباذَرٍ! التَّقْوی هٰهُنا، التَّقْوی هٰهُنا وَ اَشارَ إِلی صَدْرِهِ.

ای ابوذر! خدای تبارك و تعالی به چهره های شما یا به دارایی شما (و گفته های شما) نمی نگرد، بلکه به دل ها و اعمال شما می نگرد، آن گاه اشاره به سینه خویش کرده و فرمود: ای ابوذر! تقوا اینجا است، تقوا اینجا جایگزین می گردد.

۱۲۱

یا أَباذَرٍ! اَرْبَعٌ لایصِیبُهُنَّ إِلاَّ مُؤْمِنٌ اَلصَّمْتُ وَ هُوَ اَوَّلُ الْعِبادَهِ وَ التَّواضُعُ للَّهِ سُبْحانَهُ وَ ذِکْرُ اللَّهِ تَعالی عَلی فِی کُلِ حالٍ وَ قِلَّهُ الشَّیءِ یعْنِی قِلَّهَ الْمالِ.

ای ابوذر! چهار چیز است که کسی جز انسان با ایمان به آن ها نمی رسد:

۱ – سکوت (با معنا) و آن اول(درجه) عبادت و بندگی است.

۲ – تواضع (برای یا) به خاطر خداوند سبحان.

۳ – یاد خداوند متعال کردن در همه حالات.

۴ – و کم چیزی یعنی کمی مال. (زیرا شخص با ایمان نه تنها از مال حرام باید اجتناب کند و می کند بلکه از مال و چیز مشتبه به حرام هم احتیاط و اجتناب می نماید و لذا غالباً کم مال است.)

۱۲۲

یا أَباذَرٍ! هُمَّ بِالْحَسَنَهِ وَ إِنْ لَمْ تَعْمَلْها لِکَیلا تُکْتَبَ مِنَ الْغافِلِینَ.

ای ابوذر! قصد کار نیک کن اگر چه انجام ندهی (یا نتوانی) تا از غافلان شمرده نگردی.

۱۲۳

یا أَباذَرٍ! مَنْ مَلَکَ ما بَینَ فَخِذَیهِ وَ ما بَینَ لَحْییهِ دَخَلَ الْجَنَّهَ. قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وآله اِنَّا لَنُؤاخَذُ بِما تَنْطِقُ بِهِ اَلْسِنَتُنا؟

قال: یا اَباذَرٍ! وَ هَلْ یکُبُّ النَّاسَ عَلی مَناخِرِهِمْ فِی النَّارِ إِلاَّ حَصائِدُ اَلْسِنَتِهِمْ؟ إِنَّکَ لاتَزالُ سالِماً ما سَکَتَّ فَإِنْ تَکَلَّمْتَ کُتِبَ لَکَ اَوْ عَلَیکَ.

ای ابوذر! هرکس ما بین دو ران خود (یعنی عورت) و ما بین دو فک خود (یعنی دهان و زبان را از گناه) حفظ کند داخل بهشت گردد.

گفتم: یا رسول اللَّه ما بر آنچه با زبانمان می گوییم آیا حتماً مورد مؤاخذه قرار می گیریم.

فرمود: ای ابوذر آیا مردم را به روی در آتش جهنم می افکند جز نتایج زبان های ایشان؟ تو مادامی که ساکت هستی سالمی و

تا لبْ، به سخن گشودی به سود یا زیان تو نوشته می شود.

۱۲۴

یا أَباذَرٍ! اَلرَّجُلُ یتَکلَّمُ بَالْکَلِمَهِ فِی الْمَجْلِسِ لِیضْحِکَهُمْ بِها فَیهْوی فِی جَهَنَّمَ ما بَینَ السَّمآءِ وَ الْاَرْضِ.

یا أَباذَرٍ! وَیلٌ لِلَّذِی یحَدِّثُ وَ یکْذِبُ لِیضْحِکَ بِهِ الْقَوْمَ وَیلٌ لَهُ وَیلٌ لَهُ وَیلٌ لَهُ.

ای ابوذر! مردی در انجمنی سخنی می گوید تا حاضران را به سبب آن سخن بخنداند، پس به قدر فاصله زمین تا آسمان در آتش جهنم فرو می افتد.

ای ابوذر! وای بر کسی که سخن دروغ می گوید تا مردم را بخنداند وای بر او باد، وای بر او باد، وای بر او باد.

۱۲۵

یا أَباذَرٍ! مَنْ صَمَتَ نَجی فَعَلَیکَ بِالصِّدْقِ وَ لاتَخْرُجَنَّ مِنْ فِیکَ کِذْبَهٌ اَبَداً.

قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ فَما تَوْبَهُ الرَّجُلِ الَّذِی یکْذِبُ مُتَعَمِّداً؟

فَقالَ: الْاِسْتِغْفارُ وَ الصَّلَواتُ الْخَمْسُ تَغْسِلُ ذلِکَ.

ای ابوذر! هرکس سکوت کند نجات می یابد، پس بر تو باد به راستگویی و البته باید هرگز سخن دروغ از دهان تو بیرون نیاید.

گفتم: یا رسول اللَّه پس توبه کسی که عمداً دروغ گوید چیست؟

فرمود: طلب آمرزش کردن (از خدا) و نمازهای پنجگانه (اثر بدی) آن را می شوید.

۱۲۶

یا أَباذَرٍ! اِیاکَ وَ الْغِیبَهَ فَإِنَّ الْغِیبَهَ اَشَدُّ مِنَ الزِّنا.

قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ! وَلِمَ ذلِکَ بِاَبِی أَنْتَ وَ اُمِّی؟

قالَ: لِاَنَّ الرَّجُلَ یزْنِی وَ یتُوبُ إِلَی اللَّهَ فَیتُوبُ اللَّهُ عَلَیهِ وَ الْغِیبَهُ لاتُغْفَرُ حَتّی یغْفِرَها صاحِبُها.

ای ابوذر! خویشتن را از غیبت دور ساز زیرا (گناه) غیبت کردن از (گناه) زنا سخت تر است.

گفتم: یا رسول اللَّه! پدر و مادرم فدای تو باد، به چه علّت؟

فرمود: زیرا شخص، زنا کرده و سپس توبه می کند پیش خدا پس خدا توبه اش را می پذیرد (از او در می گذرد) ولی غیبت کننده آمرزیده نمی شود مگر آن کسی را که غیبت کرده، بر او ببخشد و از او درگذرد.

۱۲۷

یا أَباذَرٍ! سِبابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَ قِتالُهُ کُفْرٌ وَ اَکْلُ لَحْمِهِ مِنْ مَعاصِی اللَّهِ وَ حُرْمَهُ مالِهِ کَحُرْمَهِ دَمِهِ.

قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْغِیبَهُ؟

قالَ: ذِکْرُکَ اَخاکَ بِما یکْرَهُ.

قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ! فَإِنْ کان فِیهِ ذاکَ الَّذِی یذْکَرُ بِهِ؟

قال: اِعْلَمْ اَنَّکَ إِذا ذَکَرْتَهُ بِما هُو فِیهِ فَقَدِ اغْتَبْتَهُ وَ إِذا ذَکَرْتَهُ بِما لَیسَ فِیهِ فَقَدْ بَهَتَّهُ.

ای ابوذر! ناسزا گفتن به مؤمن فسق است و مقاتله با او کفر است و خوردن گوشت او (به غیبت) از معصیت های خدا است و احترام مال او مانند احترام خون اوست.

گفتم: یا رسول اللّه! غیبت چیست؟ فرمود: (غیبت آن است) که درباره برادر دینی ات سخنی بگویی که از آن بدش می آید.

گفتم: یا رسول اللّه! حتی اگر آنچه درباره او گفته می شود در او موجود باشد؟

فرمود: بدان که اگر آنچه را که در او هست بگویی غیبت او را کرده ای، و اگر آنچه را که در او نیست بدو نسبت دهی بر او بهتان زده ای. (و تهمت روا داشته ای.)

۱۲۸

یا أَباذَرٍ! مَنْ ذَبَّ عَنْ اَخِیهِ الْمُسْلِمِ (الْمُؤْمِنِ) الْغِیبَهَ کانَ حَقّاً عَلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ اَنْ یعْتِقَهُ مِنَ النَّارِ.

ای ابوذر! هرکس از غیبت برادر مسلمان (مؤمن) خود جلوگیری نماید بر خدای عزوجل است که او را از آتش جهنم آزاد سازد.

۱۲۹

یا أَباذَرٍ! مَنِ اغْتِیبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ وَ هُوَ یسْتَطِیعُ نَصْرَهُ فَنَصَرَهُ، نَصَرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ، فَإِنْ خَذَلَهُ وَ هُوَ یسْتَطِیعُ نَصْرَهُ خَذَلَهُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ.

ای ابوذر! هرکس که پیش او از برادر مسلمانش غیبت شود و او توانایی یاری او را داشته و به او یاری کند خداوند عزوجل او

را در دنیا و آخرت یاری کنـد ولی اگر از یاری او خودداری نماید با این که بر آن توانا باشد خدا در دنیا و آخرت یاری خود را از او بازدارد.

۱۳۰

یا أَباذَرٍ! لایدْخُلُ الْجَنَّهَ قَتَّاتٌ.

قُلْتُ: وَ مَا القَتَّاتُ؟

قالَ: النَّمَّامُ یا اَباذَرٍ! صاحِبُ النَّمیمَهِ لایسْتَریحُ مِنْ عَذابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِی الْآخِرَهِ.

ای ابوذر! قتات داخل بهشت نگردد.

پرسیدم: قتات کیست؟

فرمود: قتات کسی است که سخن چینی می نماید. ای ابوذر! سخن چین در آخرت از عذاب خدای عزّوجلّ راحت نشود.

۱۳۱

یا أَباذَرٍ! مَنْ کانَ ذا وَجْهَینِ وَ لِسانَینِ فِی الدُّنْیا فَهُوَ ذُولِسانَینِ فِی النَّارِ.

ای ابوذر! هرکه در دنیا دوروی و دو زبان باشد پس او در آتش جهنم (دو روی و) دو زبان خواهد بود.

۱۳۲

یا أَباذَرٍ! اَلْمَجالِسُ بَالْأَمانَهِ وَ إِفْشآءُ سِرِّ أَخِیکَ خِیانَهٌ، فَاجْتَنِبْ ذلِکَ وَ اجْتَنِبْ مَجْلِسَ الْعَشِیرَهِ.(۱۵)

ای ابوذر! مجـالس به امانت است و فاش کردن سرّ برادر مؤمنت خیانت است پس از آن اجتناب و از مجلس عشیره نیز دوری کن. (اجتناب نما).

۱۳۳

یـا أَباذَرٍ! تُعْرَضُ اَعْمالُ اَهْلِ الـدُّنْیا عَلَی اللَّهِ مِنَ الْجُمُعهِ إِلَی الْجُمُعَهِ فِی یوْمَینِ الْإِثْنَینِ وَ الْخَمِیسِ فَیغْفِرُ لِکُلِ ّعَبْـدٍ مُؤْمِنٍ إِلاَّ عَبْـداً کانَتْ بَینَهُ وَ بَینَ اَخِیهِ شَحْنآءُ فَیقالُ أُتْرُکُوا عَمَلَ هذَینِ حَتّی یصْطَلِحا.

ای ابوذر! اعمال اهل دنیا از جمعه تا جمعه دیگر در (هر هفته) دو روز دوشـنبه و پنجشـنبه بر خدا عرضه می شود،(۱۶) پس هر بنـده مؤمنی را می آمرزد مگر بنده ای که میان او و برادرش عداوت و کینه باشد پس (درباره این دو) گفته می شود عمل این دو را به حال خود واگذارید تا وقتی که با هم سازش نمایند (صلح کنند).

۱۳۴

یا أَباذَرٍ! اِیاکَ وَ هِجْرانَ اَخِیکَ فَإِنَّ الْعَمَلَ لایَتَقَبَّلُ مَعَ الْهِجْرانِ.

یـا اَبـاذَرٍ! اَنْهاکَ عَنِ الْهِجْرانِ وَ إِنْ کُنْتَ لا بُدَّ فاعِلاً فَلا تَهْجُرْهُ (فَوقَ)(۱۷) ثَلاـثَهَ اَیـامٍ کَمَلاً، فَمَنْ ماتَ فِیها مُهاجِراً لِاَخِیهِ کانَتِ النَّارُ اَوْلی بِهِ.

ای ابوذر! از متارکه (وقهر) با برادرت اجتناب کن زیرا که عمل (خیر) با قهر و متارکه به درجه قبولی نمی رسد.

ای ابوذر! تو را از متارکه (دوری کردن) نهی می کنم، و اگر ناچار شدی از متارکه، سه روز تمام با برادرت متارکه نکن، پس کسـی که در حـال هجران بـا برادر خـود بمیرد آتش به او سـزاوارتر است. (ظـاهراً مقصود از این هجران قهر و دوری و کنـاره گیری از روی خشم و غضب بر برادر مؤمن است).

۱۳۵

یا أَباذَرٍ! مَنْ اَحَبَّ اَنْ یتَمَثَّلَ لَهُ الرِّجالُ قِیاماً فَلْیَتَبَوَّءْ مَقْعَدَهُ مِنْ النَّارِ.

ای ابوذر! هرکس دوست بدارد مردان در برابرش بایستند پس باید نشیمنگاه خود را در آتش جهنم قرار داهد (و مهیا بداند).

۱۳۶

یا أَباذَرٍ! مَنْ ماتَ وَ فِی قَلْبِهِ مِثْقالُ ذَرَّهٍ مِنْ کِبْرٍ لَمْ یجِدْ رائِحَهَ الْجَنَّهِ إِلاَّ أَنْ یتُوبَ قَبْلَ ذلِکَ.

فَقالَ رَجُلٌ: یا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّی لَیعْجِبُنِی الْجَمالُ حَتّی وَدَدْتُ أَنَّ عَلاقَهَ سَوْطِی وَ قِبالَ نَعْلِی حَسَنٌ فَهَلْ یرْهَبُ عَلی ذَلِکَ؟

قالَ: کَیفَ تَجِدُ قَلْبَکَ؟

قالَ: اَجِدُهُ عارِفاً لِلْحَقِ ّ مُطْمَئِنّاً إِلَیهِ.

قـال: لَیسَ ذَلِکَ بِالْکِبْرِ، وَلکِنَّ الْکِبْرَ اَنْ تَتْرُکَ الْحَقَّ وَ تَتَجاوَزَهُ إِلی غَیرِهِ وَ تَنْظُرَ إِلَی النَّاسِ وَ لاتَری أَنَّ اَحَـداً عِرْضُهُ کَعِرْضِکَ وَ لادَمُهُ کَدَمِکَ.

ای ابوذر! هرکس بمیرد و در دل او به قـدر سـنگینی ذره ای از کـبر باشـد بوی بهشت را نیابـد، مگر آن که پیش از مرگ توبه کند.

مردی گفت: یا رسول اللّه! من زیبایی را دوست دارم تا آنجا که می خواهم بنـد تازیانه و بنـد کفش پایم زیبا باشـد، آیا از این (بر من) باید ترسید و دوری کرد؟ (که مبادا کبر باشد).

حضرت فرمود: دل خود را چگونه می یابی؟

گفت: دلم به حقّ آشنا و بر آن ثابت است.

فرمود: آن کبر نیست ولکن کبر آن است که حقّ را ترک گویی و از آن تجاوز نمایی به غیر آن و به مردم چنان بنگری که انگار حیثیت (آبروی) کسی مثل آبرو و حیثیت تو نیست و خونش مثل خون تو نیست. (یعنی خود را در هر باب بر مردم برتری دهی، و دیگران را حقیر شماری).

۱۳۷

یا أَباذَرٍ! اَكْثَرُ مَنْ يدْخُلُ النَّارَ الْمُسْتَكْبِرُونَ.

فَقالَ رَجُلٌ: وَ هَلْ ينْجُو مِنَ الْكِبْرِ اَحَدٌ يا رَسُولَ اللَّهِ؟

قالَ: نَعَمْ، مَنْ لَبِسَ الصُّوْفَ وَ رَكِبَ الْحِمارِ وَ حَلَبَ الْعَنْزَ وَ جالَسَ الْمَساكِينَ.

يا اَباذَرٍ! مَنْ حَمَلَ بِضاعَتَهُ فَقَدْ بَرِی ءَ مِنَ الْكِبْرِ يعْنِی ما يشْتَرِی مِنَ السُّوقَ.

ای ابوذر! بیشتر کسانی که به آتش

داخل می شوند مردمان متکبر هستند.

مردی گفت یا رسول اللّه! آیا کسی از تکبر (خود بزرگ بینی) نجات می یابد؟

فرمود: آری، کسی که لباس پشمینه بپوشد و سوار الاغ شود و بز را بدوشد(۱۸) و با فقرا همنشینی کند.

ای ابوذر! هرکس آنچه را که از بازار خریده است به دست خویش به خانه برد از کبر، دور و بری گشته است.

۱۳۸

یا أَباذَرِ! مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خُیلاءَ لَمْ ینْظُرِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَیهِ یوْمَ الْقِیامَهِ.

یا أَباذَرٍ! اَزْرَهُ الْمُؤْمِنِ إِلی أَنْصافِ ساقَیهِ وَ لاجُناحَ عَلَیهِ فِیما بَینَهُ وَ بَین کَعْبَیهِ.

ای ابوذر! هرکس لباس خود را از روی تکبر بر زمین بکشد روز قیامت خداوند عزوجل بر وی نظر رحمت ننماید.

ای ابوذر! مرد مؤمن شلوار و لباس پایین (پایین لباسش) تا نصف های ساق های پایش می باشد (یعنی از حیث تواضع بهتر است) و بدی و عیبی بر او نیست در آنچه (پایین لباس) ما بین ساق و بین قوزه های پایش باشد. (یعنی پایین تر و بلندتر از قوزه نباشد).

۱۳۹

یا أَباذَرٍ! مَنْ رَفَعَ ذَیلَهُ وَ خَصَفَ نَعْلَهُ وَ عَفَّرَ وَجْهَهُ فَقَدْ بَرِی ءَ مِنَ الْکِبْرِ.

ای ابوذر! هرکس دامن خود را کوتاه نماید (یعنی تا حدود ساق و قوزه پا) و کفش خود را وصله زند و (پیشانی) صورت خود را (در سجده برای خدا) بر خاک بمالد از کبر دور (و برئ) می گردد.

۱۴۰

یا أَباذَرٍ! مَنْ کانَ لَهُ قَمِیصانِ فَلْیلْبَسْ اَحَدَهُما وَ لْیلْبِسِ الآخَرَ اَخاهُ.

ای ابوذر! هرکس دو پیراهن دارد یکی را خودش بپوشد و دیگر را به برادرش(۱۹) بپوشاند.

۱۴۱

یا أَباذَرٍ! سَیکُونُ ناسٌ مِنْ أُمَّتِی یولَدُونَ فِی النَّعِیمِ وَ یغْذُونَ بِهِ، هِمَّتُهُمْ اَلْوانُ الطَّعامِ وَ الشَّرابِ، وَ یمْدَحُونَ بِالْقَوْلِ، اُولئِکَ شِرارُ أُمَّتِی.

ای ابوذر! به زودی گروهی از امّت من خواهند بود که در میان ناز و نعمت متولّد و با غذاهای لذید (و نعمت ها) نشو و نما

کننـد، همّت آنـان خوردنی ها و نوشـیدنی های گوناگون است، مردم آنان را مـدح و ثنا گوینـد، آنان اشـرار و بـدان امّت من هستند.

۱۴۲

یا أَباذَرٍ! مَنْ تَرَکَ لبْسَ الْجَمالِ وَ هُوَ یقْدِرُ عَلَیهِ تَواضُعاً للَّهِ عَزَّوَجَلّ (فَقَدْ) کَساهُ حُلَّهَ الْکَرامَهِ.

ای ابوذر! هرکس (زینت) و پوشیدن لباس زیبا را از روی تواضع برای خداوند عزوجل ترک نماید، در حالی که بر آن توانایی دارد، خداوند تبارک وتعالی بر تن او حلّه کرامت بپوشاند.(۲۰)

توضیح این که: زیور و زینت و لباس زیبا اگر از حلال باشد و از تکبر و خودنمایی و خودفروشی نباشد مباح و جایز است ولی ترک آن به جهت تواضع و فروتنی برای خدا نیکو و پسندیده است.

۱۴۳

یـا أَبـاذَر! طُوبی لِمَنْ تَواضَعَ للَّهِ تَعـالی فِی غَیرِ مَنْقَصَهٍ وَ اَذَلَّ نَفْسَهُ فِی غَیرِ مَسْـکَنَهٍ وَ اَنْفَقَ مالاً جَمَعَهُ فِی غَیرِ مَعْصِـیهٍ(۲۱) وَ رَحِمَ اَهْلَ الذُّلِ وَ الْمَسْـکَنَهِ وَ خالَطَ اَهْلَ الْفِقْهِ وَ الْحِکْمَهِ، طُوبی لِمَنْ صَـلُحَتْ سَـریرَتُهُ وَ حَسُـنَتْ عَلانِیتُهُ وَ عَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ، طُوبی لِمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ وَ اَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مالِهِ وَ اَمْسَکَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ.

ای ابوذر! خوشا به حال کسی که بدون این که نقصی (دینی یا دنیوی) داشته باشد برای (رضای) خدای متعال تواضع و فروتنی نماید (نزد مردم) و خویشتن را بدون بی مالی و احتیاج، رام و کوچک دارد و مالی را که اندوخته است در غیر معصیت (خدا) (۲۲) صـرف نماید و به بیچارگان و محتاجان ترحّم نماید، و با اهل فقه (و دانش) و حکمت همنشـینی (همگرایی) کند. خوشا به حال کسـی که انـدرونش صالح و شایسـته و آشـکار و بیرونش نیکو باشد و شـرّ و بدی خود را از مردم باز دارد. و خوشا به حال کسی که علم خویش را به کار بندد، (و به علم خود عمل

کند) و مازاد دارایی خویش را(در راه خدا) انفاق نماید و گفتار (زبان) خویش را از سخن بیجا (و زیاده از نیاز) باز دارد.

۱۴۴

یا أَباذَرٍ! اِلْبَسِ الْخَشِنَ مِنَ اللِّباسِ وَ الصَّفِیقَ مِنَ الثِّیابِ لِئَلاَّ یجِدَ الْفَخْرُ فِیکَ مَسْلَکاً.

ای ابوذر! جامه زبر و لباس خشن و پیراهن درشت باف را بر تن کن تا (تکبر و) فخر در تو راه نیابد.

۱۴۵

یـا أَبـاذَرٍ! یکُونُ فِی آخِرِ الزَّمـانِ قَوْمٌ یلْبَسُونَ الصُّوفَ فِی صَیفِهِمْ وَ شِتائِهِمْ وَ یرَوْنَ أَنَّ لَهُمُ الفَضْـلَ بِـذلِکَ عَلی غَیرِهِمْ، اُولئِکَ تَلْعَنُهُمْ مَلائِکَهُ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ.

ای ابوذر! گروهی در آخرالزمان پدید آیند که در تابستان شان و زمستان شان لباس پشم می پوشند و گمان می برند که با این لباس پشم پوشی بر دیگران برای آنان (فضـلی می باشد و) فزونی یافته اند (ظاهراً مراد فرقه صوفیه هستند) آنهایند که ملائکه آسمان ها و زمین بر آنان لعنت می کنند.

۱۴۶

یا أَباذَرٍ! اَلا اُخْبِرُکَ بِأَهْلِ الْجَنَّهِ؟

قُلْتُ بَلی یا رَسُولَ اللَّهِ.

قَال کُلُّ اَشْعَث اَغْبَر ذِی طِمْرَینِ لایؤبَهُ بِهِ لَوْ اَقْسَمَ عَلَی اللَّهِ لَأَبَرَّهُ.

ای ابوذر! می خواهی تو را به اهل بهشت خبر دهم؟

عرض کردم: بلی یا رسول اللَّه صلی الله علیه وآله.

فرمـود: هر ژولیـده مـوی گردآلود که دو جـامه کهنه پوشـیده باشـد و اعتنـا و توجهی به او نباشـد (یعنی مردم او را خوار و بی مقدار شـمارند، (مؤمن فقیری که به علت فقر لباس فاخر به تن نداشـته و وضع ظاهری اش با انسان های مرفه سازگاری نداشـته باشـد و بـدین علت مردم به او اعتنایی نمی کننـد و او هم باکی به عـدم اعتنای مردم نـدارد پس اهل بهشت است) اگر خـدا را سوگند دهد البته خداوند قسم و دعای او را قبول می فرماید و (خواسته او را ردّ نکند).

خداونـد متعال را شـکر می نمایم که این بنده ناچیز خود را توفیق کرامت فرمود تا در مورد این حدیث شـریف و معتبر در حدّ امکـان از حیث لفـظ و معنا تحقیق نمودم و با وقت و دقّتی نه چنـدان کم در تصـحیح و تکمیل ترجمه و تطبیق متن با مـدارک اوّلیه کوشش نمودم و با این

حال ادّعا ندارم که هیچ خطا و اشتباهی ندارد؛ زیرا که بیش از یک بشر ناقص نیستم.

العبد خیراللّه سلیم زاده

فهرست کتاب های انتشارات مسجد مقدّس جمکران

حدیث نام کتاب نویسنده/مترجم قیمت ترجمه حدیث عنوان بصری واحد پژوهش ۱۰۰۰

چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی ۴۵۰۰

مهدی موعوددرکلام پیامبرمحمود

احمد سعیدی ۴۰۰۰

اخلاق آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی ۱۵۰۰۰

اخلاق عملی آیت اللّه مهدوی کنی ۱۳۰۰۰

فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۳۸۰۰۰

تاریخ مسجد مقدّس جمکران تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)

واحد تحقیقات ۴۰۰۰

مسجد مقدس جمکران تجلّیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۱۲۰۰۰

آئینه اسرار حدیث بنای مسجد مقدّس جمکران حسین کریمی قمی ۶۰۰۰

پی نوشت ها

۱) ظاهراً اشاره به آیه ۴۰ سوره هود: «...وَأَهْلَکَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَیهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَما آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِیلٌ» و آیه ۱۱۹ و ۱۲۰ سوره شعراء «...ثُمَّ أَغْرَقْنا بَعْدُ الْباقِینَ» .

۲) ظاهراً اشاره است به آیه ۵۸ و ۵۹ سوره بقره... و قولوا حِطّه و آیه ۱۶۱ و ۱۶۲ سوره اعراف.. و قولوا حطّه... .

۳) این شماره در مکارم الاخلاق و بحارالانوار نیست ولی در امالی و در مجموعه ورام با مختصر اختلافی موجود می باشد.

۴) اشاره است به آیه شریفه ۷۱ و ۷۲ سوره مریم: «وَإِنْ مِّنکُمْ إِلَّا وَارِدُها کانَ عَلَی رَبِّکَ حَتْماً مَّقْضِیا ثُمَّ نُنَجِّی الَّذِینَ اتَّقَوا وَ نَذَرُ الظّالِمِینَ فِیها جِثِیا».

۵) سوره اسراء، آیه ۱۰۷ – ۱۰۹.

۶) در مکارم الاخلاق و بحار (ثم عرضها) آمده است.

۷) فراهم ساختن اسباب و وسایل آسایش خانواده خود و سایر مردم با ایمان در اطاعت خدای متعال از جمله اعمال خدا پسند است که می توان با آن تحصیل رضای الهی نمود.

۸) احتمال أثبت نیز می باشد.

۹) در باب این که چرا قرآن را شعار و دعا را دثار قرار داده است، در کتاب شریف عین الحیات مرحوم مجلسی توضیحی

فرموده است، اگر کسی بخواهد به آنجا مراجعه کند.

۱۰) اشاره به آیه ۲۰ سوره (شوری) می باشد «مَن کانَ یرِیدُ حَرْثَ الْآخِرَهِ نَزِدْ لَهُ فِی حَرْثِهِ وَمَن کانَ یرِیدُ حَرْثَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَما لَهُ فِی الْآخِرَهِ مِن نَّصِیبٍ».

۱۱) مرحوم علامه مجلسی در عین الحیاه در ذیل این کلام فرموده است: مراد از همه مردم در اینجا غالب مردم است، یا مراد از (ناس) در (تری الناس) مردم اهل دنیا است.

۱۲) سوره آل عمران، آیه ۲۰۰ «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا» ای کسانی که ایمان آورده اید. (در برابر مشکلات و هوس های) صبر و استقامت کنید و در برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از (معصیت و عذاب) خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید.

۱۳) لفظ (بحلالی) فقط در مجموعه ورام استو احتمالاً غلط می باشد.

۱۴) سوره طلاق، آیه ۲ و ۳.

۱۵) مرحوم علّامه مجلسی برای اجتناب از مجلس عشیره چند معنی ذکر کرده که به نظر می رسد معنای اوّل مناسب تر باشد چنین است: (اجتناب از مجلس که خویشان با یکدیگر می نشینند و بد مردم را می گویند).

۱۶) عرضه داشتن اعمال به درگاه الهی با احاطه علم خدا بر تمام موجودات منافاتی ندارد.

۱۷) کلمه (فوق) که در بعضی کتاب ها هست احتمالاً زیادی باشد.

۱۸) این دستور به اقتضای زمان پیغمبر و برای آن است که در آن زمان به آن گونه کارها شکسته نفسی حاصل می شد و کبر و تکبر شکسته می شد، ولی در این زمان بعضی آن ها میسر نیست.

۱۹) ظاهراً مراد هنگامی است که برادر مسلمان برهنه باشد و او نیز توانایی آن را نداشته باشد که برای وی لباس خریداری کند در این

صورت خوب است که یکی از لباس های خود را به تن او بپوشاند.

۲۰) بدیهی است که در شرع مقدّس اسلام لباس زیبا پوشیدن مباح است و زینت نیز تحریم نشده. در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَةَ اللَّهِ الَّتِی اَخْرَجَ لِعِبادِهِ» بگو ای پیغمبر زینت هایی که خدا برای بندگان خود فراهم ساخته تحریم نشده است. بلکه آنچه مذموم است و در این حدیث نیز پیامبر گرامی اسلام از آن نکوهش نموده است که انسان لباس های فاخر بپوشد تا خود را بر دیگران برتری دهد و مردم را به حسرت وا دارد... .

۲۱)

۲۲) ۱ و ۲. جمله (فی غیر معصیه) ممکن است متعلق به (انفق) یا (جمع) با هر دو باشد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان

